



المپیاد

ویژه‌نامه چهارمین المپیاد فیلمسازی نوجوانان ایران (سی و سومین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان)

سردبیر: بهمن عبداللہی
تحریریه: بهاره گل‌پرور، نسرین بختیاری، برسام عبداللہی و حسین جداری‌فروغی
ویراستار: مریم کامجو

مدیر هنری: مینا سادات حسینی
گروه عکس: شیدا عابدی/ محمدامین افتخاری
ناشر: دفتر امور جشنواره‌های انجمن سینمای جوانان ایران
تاریخ انتشار: مهر ۱۳۹۹

مدیر المپیاد: حبیب ایل بیگی

مدیر اجرایی: سهیلا عسکری

مدیر هماهنگی: سعید نجاتی

مشاورین انتخاب آثار: فرزاد اژدری، امیر مشهدی عباس، سعید نجاتی، حمیدرضا صالحی، سعید پور اسماعیلی و سهیلا عسکری
گروه مستندسازی: علیرضا رواده، محمد امین افتخاری، مجید نجاتی، مهتاب ابراهیمی، مهدیه غلامحسینی، هدیه خسروی و سمیرا کاملی
روابط عمومی: محسن دلیلی، علی افشار، پرستو خلعتبری و زهرا نقبائی

طراح پوستر المپیاد: شهرزاد موسوی

مرکز نوآوری صبا: عادل دهدشتی و امین پزشکیان

با تشکر از: علی جعفری، حمیدرضا صالحی، صدیقه قاضی‌نظام، فریا شفیع، مسعود مدرسی، احدا له دلدار، مهرداد میرزاحمدی، الهه حسن‌بیگی، حمید کوه‌افکن، حمیدرضا امیدی، فردین روحی، عالیہ هاشمی، علی صریحی، حسین جودکی، محمد فتحی، ندا عابدی، علیرضا طلائی، میلاد شکرخواه و سمیه انصاری‌فرد

فهرست

۳	المپیاد چهارم در یک نگاه
۴	پیام علیرضا تابش؛ دبیر جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان به المپیاد
۵	پیام مدیرعامل انجمن سینمای جوانان/ پیام مدیر المپیاد چهارم
۶	نگاهی به سه دوره گذشته
۸	گزارش مراسم افتتاحیه چهارمین المپیاد فیلمسازی نوجوانان
۱۰	یادداشت‌های نوجوانان، منتورها و مربیان
۱۶	جدول برنامه
۱۸	چگونه از ادبیات کهن برای ساخت فیلم استفاده کنیم؟
۲۰	انواع فیلم در جهان سینما بر اساس قالب‌ها و بسترها
۲۲	فیلمسازی تک نفره
۲۴	مروری بر پرکاربردترین اصطلاحات سینمایی
۲۶	سه نشست، سه استاد
۲۷	معرفی اعضای گروه‌های شرکت‌کننده در کلاس‌های آموزشی
۳۵	مشخصات فیلم‌های شرکت‌کننده
۴۲	مشخصات ایده‌های شرکت‌کننده
۴۶	گزارش تصویری
۴۸	معرفی برگزیدگان



المپیاد فیلمسازی نوجوانان ایران
Youth Film Making Olympiad of Iran

چهارمین المپیاد فیلمسازی نوجوانان

این دوره به صورت مجازی برگزار شد

همزمان با سی و سومین جشنواره بین‌المللی
فیلم‌های کودکان و نوجوانان
زمان: ۲۷ الی ۳۰ مهر ۱۳۹۹

منتورها:

مهین جواهریان، غلامرضا رضانی،
ابوالفضل جلیلی، وحید گلستان،
بیژن میرباقری، سیدجواد هاشمی،
سیروس حسن‌پور
و حامد جعفری

مسئولان:

مدیر المپیاد: حبیب ایل بیگی
مدیر اجرایی: سهیلا عسکری
شورای برنامه‌ریزی محتوایی:
سهیلا عسکری، حبیب ایل بیگی،
محمدرضا کریمی‌صارمی،
سعید پوراسماعیلی، داود ضامنی،
وحید گلستان
و حسین شیخ‌الاسلامی

مربیان:

شهلا پورآرین، فریبرز آهنین،
میرعباس خسروی‌نژاد، عادل تبریزی،
مهدی رضایی، نواب محمودی،
تی‌یام یابنده
و حافظ آهی

آثار رسیده:

۸۴۲ عنوان در دو بخش ایده و فیلم

آثار راه یافته:

بخش فیلم: ۴۰ اثر
(مسابقه: ۳۶ فیلم و مهمان: ۴ فیلم)
بخش ایده: ۳۰ اثر
(مسابقه: ۲۷ ایده
مهمان: ۳ ایده)

اساتید

نشست‌های تخصصی:

رسول صدرعاملی، مرضیه برومند
و ایرج طهماسب

نوجوانان شرکت کننده:

۶۴ نفر از ۲۲ استان سراسر کشور
۳۳ نفر پسر
۳۱ نفر دختر

مجموع ساعات آموزشی:

۶۴ ساعت (۹ ساعت برای هر گروه)
۲ نشست نقد و بررسی
۳ نشست انتقال تجربه

نوجوانان شرکت کننده در کلاس‌های المپیاد:

۶۴ نفر در ۸ گروه

شما نوجوانان نشان دادید
که همچنان نشاط و انگیزه دارید

علیرضا تابش؛

**دبیر سی و سومین جشنواره
بین المللی فیلم‌های کودکان
و نوجوانان**



۱ بسیار خوشحالم که خداوند این فرصت را به ما داد که علیرغم همه دشواری‌های ناشی از ویروس بی‌رحم و شوم کرونا جشنواره امسال را برگزار کنیم. شما نوجوانان عزیز همت کردید و با ارسال ایده‌ها و فیلم‌هایتان، به تعدادی بسیار بیشتر از سال‌های پیش، نه تنها نشان دادید که هیچ ترس و واهمه‌ای از این بیماری ندارید، بلکه نشاط، سرزندگی و انگیزه‌ای که برای ادامه مسیر طولانی زندگی خود برگزیده‌اید، با ظهور این دشمن مشترک، چندین و چند برابر شده است. شما نه تنها ما را قانع کردید که تصمیم به برگزاری «چهارمین دوره المپیاد فیلمسازی نوجوانان» تصمیم درستی بوده است، بلکه به ما درس امیدواری، استقامت و پایداری دادید و نشان دادید سرچشمه جوشان زندگی، با این مصائب تلخ و زودگذر، رو به ضعف نخواهد گذاشت و قوی‌تر از همیشه، از دل نوجوانانی چون شما خواهد جوشید.

۲ از صمیم دل امیدواریم، در این سو ما نیز آنچه برای شما مهیا کرده‌ایم، اگر چه نه به اندازه تلاش و استقبال شما، اما بتواند آموزنده و هیجان‌انگیز باشد. در این دوره از المپیاد که به ناچار آنلاین برگزار می‌شود، تلاش کرده‌ایم با استفاده از تمام ظرفیت‌های به روز شبکه‌های مجازی و فناوری‌های آموزش از راه دور، روزهایی پر از تجربه‌های جدید و خلاقانه بسازیم، روزهایی که بتواند تصویر شما را از آینده خود روشن‌تر کند و تصمیم‌های جدیدی برایتان بسازد. نه فقط آینده شما به عنوان فیلمساز یا سینماگر، بلکه حتی اگر قصد فعالیت حرفه‌ای در فضای صنعت تصویر نداشته باشید، باز هم این روزها بتواند روزهایی با اهمیت فراوان در زندگی شما باشد.

۳ ممکن است صدای شما در اوج نگرانی‌های این روزها، در میان هیاهو و سر و صدای غم‌انگیز کرونا، کمتر شنیده شده باشد. ای کاش از این فرصت استفاده کنید برای رساندن صدایتان به هنرمندان و از طریق هنر و هنرمندان، رساندن صدای متفاوت و تازه خود به جامعه. جامعه امروز نیازمند این صدای متفاوت است، صدایی جوان، پر از امید و قدرت که بتواند موانع و مشکلات را پشت سر بگذارد و از پس ظاهر تیره و مبهم آینده نزدیک، تصویر روشن آینده‌ای اندکی دور را پیش روی جامعه تصویر کند. شما سینماگران نسل آینده می‌توانید سفیران امید امروز باشید.

۴ یک آرزو می‌تواند پایانی بر این پیام کوتاه باشد؛ آرزوی اینکه فردایی که شما، هنرمندان و سینماگران نسل آینده در آن به تولید مشغول خواهید شد، روزگاری سالم‌تر، پرامیدتر و آرام‌تر از امروز باشد.

افق‌های روشن در سپهر هنر ایران زمین سیدصادق موسوی؛ مدیرعامل انجمن سینمای جوانان ایران

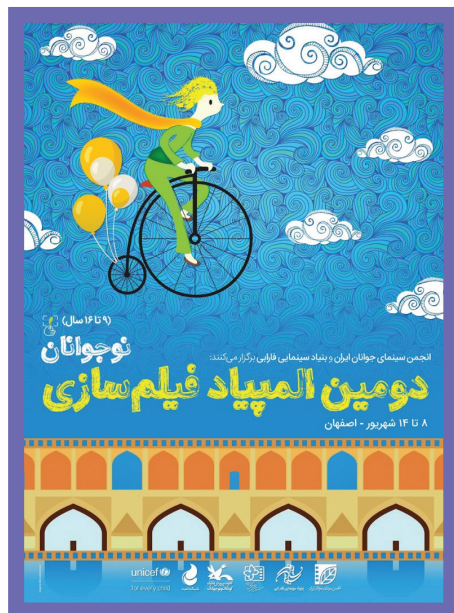
به نام خالق هنر
چهارمین المپیاد فیلمسازی نوجوانان کشور، نویدبخش افق‌های روشن‌تر
در سپهر هنر ایران زمین است.
دور نیست که این نهال‌های نارس، بهاری گلفام بیافرینند و بوستان
سینمای ایران را جلوه‌ای تازه و غنایی درخور ببخشند.
آرزو مندم که این بهار، هرگز به خزان ننشیند.



کرونا و المپیاد فیلمسازی نوجوانان حبیب ایل بیگی؛ مشاور دبیر جشنواره و مدیر المپیاد فیلمسازی نوجوانان

چهارمین دوره المپیاد فیلمسازی نوجوانان ایران را در شرایطی برگزار می‌کنیم که چند ماه است که جهان با انتشار ویروسی به نام «کرونا» دست و پنجه نرم می‌کند. ویروس کرونا در این چند ماه باعث تعطیلی بسیاری از رویدادهای هنری و فضاهای هنری مثل سینماها و جشنواره‌ها شده است. اما از یک سو کرونا ما را مجبور کرد به این بیناندیشیم که آیا می‌توان چهارمین المپیاد فیلمسازی را با حفظ همه توصیه‌های بهداشتی و به شیوه‌ای متفاوت برگزار کرد؟
این پرسشی بود که ماه‌ها به آن فکر کردیم و نتیجه بررسی‌ها نشان داد برگزارکردن المپیاد با شیوه‌ای متفاوت بهتر از برگزار نکردن آن است. امسال، المپیاد فیلمسازی نوجوانان به شکل حضوری برگزار نمی‌شود. اما درسی که کرونا به ما داد این بود که می‌توان برای هر محدودیتی چاره‌ای اندیشید. دست روی دست گذاشتن که هنر نیست؛ انفعال هنر نیست؛ بلکه هنر آن است که به نوجوانان فرصت دهیم تا زیبایی‌های کرونا را به تصویر بکشند؛ مانند همدلی‌ها، فداکاری‌ها، گذشت‌ها، تلاش‌ها برای حل مشکلات، حفظ آیین و رسوم دینی مثل عزاداری‌های متفاوتی که امسال برگزار شد و بازنمایی زیبای آن‌ها در قاب فیلم‌های نوجوانان شرکت‌کننده در المپیاد.
پیوند متفاوتی که نوجوانان با دنیای مجازی و شبکه‌های اجتماعی برقرار کردند نشان داد المپیاد فیلمسازی نوجوانان این قابلیت را دارد تا آن‌ها را به سطح بالاتری از رشد و بلوغ رسانه‌ای سوق دهد. کرونا به همه یاد داد استفاده صحیح از اینترنت ما را در برابر مشکلات توانمند می‌کند.





● برسام عبداللهی

روایای سینما در گذر فرهنگ و هنر

نام و عنوان «المپیاد فیلمسازی» نخستین بار در تابستان سال ۱۳۹۴ شنیده شد. در روزهایی که برگزارکنندگان جشنواره بین‌المللی فیلمهای کودکان و نوجوانان به تدارک جشنواره‌های متفاوت و البته تاثیرگذار می‌اندیشیدند. در آن سال «علیرضا شجاع نوری»؛ دبیر جشنواره فیلمهای کودکان و نوجوانان بود و در یکی از جلسات ستاد برگزاری جشنواره ایده راه‌اندازی بخش ویژه‌ای برای نوجوانان علاقه‌مند که تمایل به ساخت فیلم دارند، یا بچه‌های بااستعدادی که محلی برای ارایه آثار خود ندارند را مطرح کرد. از آنجا که قرار بود جشنواره بیست و نهم تنها به سینمای نوجوانان بپردازد، این ابتکار مورد توجه مسئولان بنیاد سینمایی فارابی و دست‌اندرکاران جشنواره قرار گرفت و در همان دوره عنوان جشنواره با این عبارات روی پوستر قرار گرفت؛ «نخستین المپیاد فیلمسازی و بیست و نهمین جشنواره بین‌المللی فیلمهای نوجوانان». بدین ترتیب نخستین المپیاد فیلمسازی نوجوانان شکل عینی پیدا کرد. در این گزارش نگاهی داریم به سه دوره گذشته این رویداد.

نخستین المپیاد

همدان - ۳ الی ۸ مهر ۱۳۹۴

اولین دوره المپیاد فیلمسازی نوجوانان همزمان با بیست و نهمین جشنواره بین‌المللی نوجوانان ۳ الی ۸ مهر ۱۳۹۴ در شهر باستانی همدان برگزار شد. بر اساس فراخوان المپیاد، نوجوانان سراسر ایران از ۱۲ تا ۱۹ سال می‌توانستند فیلم‌های ۳ دقیقه‌ای خود را برای جشنواره ارسال کنند. جمع‌آوری آثار توسط دفتر انجمن سینمای جوانان ایران در سراسر کشور انجام شد که در مهلت تعیین شده بیش از ۱۰۰۰ نفر به دفتر انجمن مراجعه و در این زمینه اعلام آمادگی کردند. در ادامه بیش از ۴۰۰ فیلم سه دقیقه‌ای به ستاد برگزاری رسید که نهایتاً ۸۶ فیلم در المپیاد شرکت کردند.

نیما عباسپور، داریوش غریب‌زاده و امیرشهاب رضویان به عنوان داوران نخستین المپیاد فیلمسازی نوجوانان ۱۳ اثر برگزیده را در بخش ملی و ۵ فیلم را در بخش بین‌المللی معرفی کردند. همچنین علیرضا شجاع‌نوری؛ دبیر جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان همدان نیز یک فیلم را به دلیل توجه خاص به مسائل دینی و اثر دیگری را به دلیل توجه به دفاع مقدس به عنوان برگزیده دبیر معرفی کردند.

دومین المپیاد

اصفهان - ۸ الی ۱۴ شهریور ۱۳۹۷

دومین المپیاد فیلمسازی با فاصله سه سال از دوره پیشین برگزار شد و از آنجا که جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان به اصفهان بازگشته بود همزمان با این رویداد برگزار شد.

در دوره دوم این المپیاد انجمن سینمای جوانان ایران و بنیاد سینمایی فارابی با شبکه امید همکاری داشتند و این رقابت را در دو بخش «فیلم» و «فیلمنامه یا طرح» برگزار کردند.

بر اساس فراخوان دومین المپیاد فیلمسازی، نوجوانان گروه سنی ۹ تا ۱۶ ساله می‌توانستند ثبت نام کنند و فیلم‌ها و ایده‌های خود را به ستاد برگزاری ارسال می‌کردند. برای شرکت در این رویداد آنها باید فیلم‌های کوتاه ۳ دقیقه‌ای تولید می‌کردند. موضوع فیلم‌ها در این دوره آزاد بود، ولی هیات داوران به فیلم‌هایی با موضوعات ایران من، شهر من، روستای من، خانه من، خانواده من، دوستان من، نوع‌دوستی، همیاری، نشاط و کودکی، خلاقیت در زندگی و دشمنان ما، توجه ویژه داشت.

پس از پایان مهلت مقرر در بخش طرح یا فیلمنامه، تعداد ۱۹۰ طرح به دبیرخانه جشنواره انجمن سینمای جوانان ایران ارسال شد که بعد از بازخوانی تعداد ۳۳ طرح و فیلمنامه انتخاب شدند. بعد از انتخاب طرح‌ها و فیلمنامه‌ها - همانطور که در فراخوان ذکر شده بود - فیلمنامه‌های پذیرفته شده با حمایت انجمن سینمای جوانان ایران و نظارت و اجرای دفتر (با در اختیار گذاردن مشاور و راهنما و همچنین تجهیزات لازم و حمایت مالی ۵۰۰ هزار تومانی برای هر دفتر انجمن) نسبت به تولید آثار اقدام شد.

با پایان مهلت ارسال آثار تولیدی به دبیرخانه تعداد ۲۴۰ فیلم به المپیاد رسید که شامل ۱۶۰ فیلم داستانی، ۲۴ فیلم مستند، ۴۸ فیلم پویانمایی و ۸ فیلم تجربی بود. بعد از بازبینی فیلم‌ها توسط هیات انتخاب نهایتاً تعداد ۶۴ فیلم (۵۱ اثر داستانی، ۶ فیلم مستند و ۷ اثر

پویانمایی) برای شرکت در بخش مسابقه المپیاد فیلمسازی نوجوانان معرفی شدند. به این مجموعه نیز ۹ فیلم از ۳۷ اثر ارسالی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اضافه شد.

پس از آغاز جشنواره، فیلم‌سازان نوجوان از ۹ شهریور به محل اقامت در اردوگاه شهید بهشتی وارد شدند و تا ۱۵ شهریور حضور داشتند. افتتاحیه المپیاد در اردوگاه و با حضور علیرضا رضاداد، حبیب ایل‌بیگی، حسین شیخ الاسلامی، محمدرضا خردمندان، فیلم‌سازان و مربیان آن‌ها برگزار شد. برنامه‌های المپیاد شامل اکران فیلم‌های بخش مسابقه، جلسات نقد و بررسی فیلم‌ها، دو کارگاه آموزشی با موضوع «از ایده تا فیلمنامه» و «کارگاه فیلمسازی آسان»، نمایش فیلم‌های تولید شده کانون پرورش، گشت شهری، حضور در جلسات بزرگداشت فیلم‌سازان کودک و پرسش و پاسخ با آن‌ها بود. دآوری فیلم‌های المپیاد توسط شیخ الاسلامی، خردمندان و شجاع نوری انجام شد. از برنامه‌های جنبی المپیاد می‌توان به نشست صندوق بین‌المللی حمایت از کودکان (یونیسف) با حضور دکتر ویل پارکس؛ نماینده یونیسف در ایران، مهتاب کرامتی، کارشناسان یونیسف و فیلم‌سازان نوجوان اشاره کرد.

مراسم اختتامیه و اهدای جوایز المپیاد در عصر همان روز یعنی ۱۳ شهریور در سالن کتابخانه مرکزی اصفهان برگزار شد. در این مراسم سه فیلم کوتاه به ترتیب جایزه مقام اول تا سوم را گرفتند و دو فیلم دیگر شایسته تقدیر شناخته شدند.

المپیاد سوم

اصفهان - ۲۶ الی ۳۰ مرداد ۱۳۹۸

سومین المپیاد فیلمسازی نوجوانان همزمان با سی و سومین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان در اصفهان برگزار شد. جشنواره از ۲۸ مرداد آغاز شد و ۴ شهریور به کار خود خاتمه داد، اما المپیاد از ۲۶ مرداد کار خود را پیش از جشنواره آغاز کرد و پیش از پایان جشنواره هم خاتمه یافت. در این دوره برنامه‌های متنوع و گسترده‌ای در المپیاد پیش‌بینی و تلاش شده بود از تجربیات دو دوره گذشته در جهت بهتر شدن این رویداد بهره گرفته شود. دبیر جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان «علیرضا تابش» و مدیر المپیاد سوم «حبیب ایل‌بیگی» بودند. مراسم افتتاحیه نیز در سالن حوزه هنری اصفهان برگزار شد. این مراسم در فضایی گرم و صمیمانه شکل گرفت و مسئولان برگزاری المپیاد، اساتید مدعو (ایرج طهماسب، ابوالفضل جلیلی، مرضیه برومند، پوران درخشنده، کامبوزیا پرتوی، عبدالله علیمراد، وحید نیکخواه آزاد، علی‌اکبر قاضی نظام)، مربیان و تعدادی از مسئولان اصفهانی حضور داشتند.

آثار رسیده به المپیاد شامل ۳۰۷ «ایده یا فیلمنامه» و ۲۲۹ «فیلم کوتاه» بود که اعضای هیات انتخاب (سهیلا عسکری، حبیب ایل‌بیگی، سعید پوراسماعیلی، حسین شیخ الاسلامی، داود ضامنی، محمدرضا کریمی صارمی و وحید گلستان) نهایتاً ۴۰ ایده یا فیلمنامه و ۱۶ فیلم را برای شرکت در المپیاد انتخاب کردند. همچنین در دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های المپیاد ۵۵ نفر (شامل ۲۵ دختر و ۳۰ پسر) شرکت داشتند. در این دوره برگزیده‌ای معرفی نشد و به جای آن به همه نوجوانان مدال های طلایی، نقره‌ای و برنزی اهدا گردید. سازمان یونیسف نیز از حامیان جشنواره بود و به یک اثر دوربین فیلمبرداری اهدا کرد.

در سومین المپیاد فیلمسازی نوجوانان برنامه‌های دیگری شامل نمایش و بررسی فیلم، نشست‌های انتقال تجربه و کارگاه آموزش تکنیک‌های عکاسی با موبایل در فضای باز گنجانده شده بود.



با رعایت پروتکل‌های بهداشتی و به شیوه آنلاین؛ چهارمین المپیاد فیلمسازی نوجوانان ایران آغاز شد

● نسرین بختیاری



پیدا کند و ثمرات آن برای فرهنگ و هنر ایران ماندگار باشد.»
تابش در پایان از مرکز نوآوری صبا و دکتر ناظمی که تامین زیرساخت‌های اینترنتی این رویداد را تأمین کرده است، تشکر کرد. در بخش دیگری از مراسم، پیام ویدیویی «مرضیه برومند» پخش شد که او ضمن ابراز دلالتگی برای برپایی حضوری جشنواره گفت: «سال گذشته نشست‌های خوبی برگزار شد و تعامل خوبی با شما (نوجوانان) داشتیم و بیشتر ما از شما یاد گرفتیم. ما در این المپیاد متوجه می‌شویم که شما چه دغدغه‌ها و سلاقی دارید. همه ما این روزها درگیر بحران کرونا و مسائل اقتصادی هستیم اما باید در کنار هم از مشکلات عبور کنیم.» این فیلمساز تأکید کرد: «موضوعی که من از میان ایده‌های شما انتخاب کرده‌ام، رابطه انسان و طبیعت است. ثروت همیشه پول نیست، ثروت هر آن چیزی است که ما از آب و هوا و زمین داریم. میراث فرهنگی و معنوی ثروت ما هستند. پس به میراثمان اهمیت داده و از آن پاسداری کنیم.» این مراسم با تقدیر از دو جوان (مهشاد ولی و سیدمحمد رضا حسینی) که المپیادی‌های دوره اول هستند که راه فیلمسازی را ادامه داده‌اند، پی گرفته شد.

«رسول صدراعظمی» هم در پیامی ویدیویی گفت: «المپیاد اتفاقی است که دیر آغاز شد. هدف این رویداد پیدا کردن ذهن‌های خلاق و ایده یاب است. اگر این اقدام زودتر انجام می‌شد با توجه به بضاعت سینمای ایران، می‌توانستیم یکی از بزرگ‌ترین سینمای کودک و نوجوان در جهان را داشته باشیم. امیدوارم این المپیاد جدی تلقی شود و از این طریق انبوه کودک و نوجوان خلاق را شناسایی و از ایده‌ها در جهت بهتر شدن سینمای کودک و نوجوان استفاده کنیم.» در بخش بعدی پس از معرفی منتورهای المپیاد امسال، «ایرج طهماسب» در یک پیام ویدیویی خطاب به نوجوانان گفت: «خوشحالم که باز هم شما را می‌بینم. برای اینکه بخواهید فیلم بسازید، المپیاد محل مناسبی است تا از تجربه اساتید استفاده کنید. سال گذشته بچه‌های بسیار با استعدادی حضورداشتند، امسال هم کارهای درخشانی دیدم و امیدوارم شما فیلمسازان درخشان آینده کشور باشید.»

در پایان نوجوانان برای شرکت چهارمین المپیاد فیلمسازی نوجوانان گروه‌بندی شدند.

گفتنی است مراسم افتتاحیه از طریق تلویزیون تعاملی «تیوا» به صورت زنده پخش شد.

عصر بیست و هفتمین روز مهرماه، «چهارمین المپیاد فیلمسازی نوجوانان ایران» کار خود را آغاز کرد. المپیاد امسال با برگزاری مراسم ویژه‌ای به صورت آنلاین، با حضور تعداد محدودی از مدعوین و با رعایت پروتکل‌های بهداشتی افتتاح شد.

این رویداد در فضای باز مرکز نوآوری صبا و با تلاوت آیاتی از قرآن کریم در هوای دلپذیر پاییزی آغاز شد و با سرود ملی جمهوری اسلامی ایران ادامه یافت. گزارش سی‌وسومین جشنواره فیلم کودک و نوجوان و تیزر چهارمین المپیاد فیلمسازی نوجوانان از برنامه‌های بعدی بود و در ادامه «حبیب ایل‌بیگی» مدیر المپیاد فیلمسازی نوجوانان طی سخنانی گفت: «آرزو می‌کنم ایام خوبی پیش روی نوجوانان باشد و این دوره تجربه خوبی برای آنها و اساتید رقم بخورد. با وجود اینکه ما تا چندی پیش نسبت به برگزار شدن و نشدن این رویداد تردید داشتیم، اما استقبال بهتری به نسبت سال گذشته صورت گرفته است.»

او با اشاره به اینکه از خراسان رضوی، اصفهان و همدان بیشترین متقاضی را داشتیم، افزود: «از فردا کلاس‌ها با حضور اساتید و مربیان آغاز می‌شود و از هر گروه یک ایده به بخش نهایی راه می‌یابد. امسال فیلم‌ها در سایت آپارات بارگذاری شده‌اند و داوری فیلم‌های پذیرفته شده در المپیاد، توسط مرضیه برومند، ایرج طهماسب و رسول صدراعظمی انجام می‌شود.» ایل‌بیگی در پایان سخنان خود، از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، شهرداری اصفهان، شبکه امید و مرکز نوآوری صبا تشکر کرد. در ادامه این مراسم، «علیرضا تابش» با درود به روح زنده‌یاد «اکبر عالمی» که در گسترش دانش سینمایی ایران نقش تاثیرگذاری داشت، گفت: «المپیاد چهارم در شرایطی برگزار می‌شود که ارتباط ما با نوجوانان از طریق فضای مجازی شکل گرفته است.»

دبیر جشنواره سی و سومین جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان ادامه داد: «به عنوان کسی که سال آینده در کسوت مدیریت سینما نیست، آرزوهایی برای المپیاد فیلمسازی دارم. چرا که این المپیاد مولود دوران مدیریت من است. مفتخرم که در این دوره، کاری متفاوت و جذاب برای نوجوانان در حوزه سینما اتفاق افتاد. تثبیت این رویداد به شکلی درخور، آرزوی من است و امید که بتواند جایگاه خود را در نظام هنری کشور پیدا کند. من و همکارانم در بنیاد سینمایی فارابی و انجمن سینمای جوانان ایران تلاش می‌کنیم این اتفاق بیفتد، اما نهادهایی مانند آموزش و پرورش و فرهنگستان هنر باید همراه ما باشند. این رویداد باید تداوم

یادواره

وای چه زمان حساسی ست نوجوانی



سرمایه‌گذاری بسیار ارزشمند روی نوجوانان



با کفش های فولادی وارد این عرصه دلچسب شوید



اشتیاق سرچشمه نبوغ است



نه استعداد و نه امکانات، سد راه رسیدن یک مشتاق صد در صد تمام و کمال نیست. شوق که باشد باقی با هست یا می‌شود.

داستان ساز زدن من و جرأت اومدن تویه راه تازه

● غلامرضا رضانی



المپیاد و جشنواره مدتی به رفتن به گنج هم. روزی رو خواهیم دید که همه حیثیت و اعتبار جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان در گروهی المپیادش و فعالیت فیلمسازان نوجوانش بشه. به نظر می‌رسه قطعه مفقوده‌ای در قالب المپیاد بوده که این سال‌ها شان و منزلت جشنواره رو آنطور که باید نشون نداده. در آینده این گفته من رو فراموش نخواهید کرد که "روزی فرا خواهد رسید که حضور نوجوان‌ها و فیلمسازی اون‌ها مهمتر از تعداد فیلم‌های بخش اصلی و فرعی بشه".

این اتفاق عالی و میتونه بهترین مسیر رو به جشنواره کودک و نوجوان بده. من خودم به شکلی خروجی و حاصل همین نبرد بی امان با خواسته‌هام هستم. المپیاد یعنی دلخواسته به اضافه تلاش، به اضافه جستجو، به اضافه ماجراجویی و خسته نشدن و به اضافه هدفمند بودن.

اول راهنمایی بودم. ما نظام جدید بودیم و هر طرح و برنامه جدیدی رو روی ما آزمایش می‌کردند. یه روزی از دفتر اطلاعیه زدند که هر دانش آموزی به آموزش نواختن موسیقی و بودن توی گروه موسیقی علاقه داره ثبت نام کنه. زنگ آخر که ساعت چهار نواخته شد، من با شوق و ذوق رفتم طبقه سوم توی سالن امتحانات که اسسم رو بنویسم. توی اون سالن بیست سی متری شش هفت تا ساز بود؛ ویلن، فلوت، ضرب، سنتور، دایره زنگی و نی. شاید بیشتر جلوی یه آقای جدید ورود ایستادم. سرش رو آورد بالا و گفت: «چه سازی؟»

بر و بر نگاهش کردم. تا اون روز حتی آلات موسیقی رو از نزدیک ندیده بودم. نه من حتی تو کل خانواده مون ساز و ساززن نداشتیم. فقط گاهی توی ختنه سوران‌ها یا عروسی‌ها دیده بودم شوکت خانم دایره‌شو می‌آورد و می‌زد. خیره شدم با دید خریدار به سازها. بچه‌ها هر کدوم صدای سازی رو در می‌آوردن. آقاهه گفت: «پسرجون تا حالا چه سازی می‌زدی؟»

گفتم: «هیچی... ولی دوس دارم ضرب یاد بگیرم.»

گفت: «باشه اسمتو می‌نویسم.» نوشت و یک ضرب آورد داد دستم. گفت برو کمی باهاش بازی کن تا پیام درس اول رو بهت بدم. به همین راحتی من یه ضرب واقعی توی دستم بود و ته سالن زیر بغلم گرفته بودم و باهاش دیلم دیلم می‌کردم. عصر دوشنبه‌ها و چهارشنبه‌ها می‌موندم توی مدرسه و آموزش ضرب می‌دیدم. دو ماه گذشت و من یه دل نه صد دل عاشق سنتور شدم. به نظر ساز قشنگی بود. با دوتا چوب عصا مانند می‌زدیم روی سیم‌هاش و چه صدای قشنگی می‌زد بیرون. رفتم پیش مسئول و گفتم من به سنتور زدن بیشتر علاقه دارم. نیشخندی زد و گفت: «از جلسه بعد بیا سر کلاس سنتور.»

سه ماه و اندی هم خودمو به زدن ساز سنتور مشغول کردم. فلوت زدن تو گلوگیر کرده بود و گاهی می‌رفتم سر کلاس پیش دوستم «موت آبادی» و با صدای فلوت کیف می‌کردم. به خودم می‌گفتم اگه من فلوت زدن یاد بگیرم راحت می‌تونم یه فلوت بخرم و ببرم

اطاق خودم بی اونکه آقام بفهمه. آخه تمام مدتی که این سازها رو آموزش می‌دیدم به خونه گفته بودم کلاس تقویتی ریاضی داریم. تا آخر سال همینطور ساز عوض کردم و سال بعد هم که گروه تئاتر تشکیل شد رفتم و شدم عضو پر وپا قرص و عاشق پیشه تئاتر. دیگه از گروه تئاتر تگون نخوردم. تقریباً علاقه‌مندیم رو فهمیده بودم. نواختن ساز و موسیقی رو دوست داشتم ولی تو یه سالی که از این ساز - به قول امروزی‌ها- شیفتم کردم توی اون ساز، خودم یه کمی سختم بود و دیر می‌تونستم دستورالعمل‌ها و درس‌ها رو یاد بگیرم. اما توی تئاتر مثل جریان آب روان که مسیرش رو پیدا کرده بی‌دردسر پیش رفتم. بعد هم کم کم ناخنک زدم به فیلم کوتاه ساختن و فیلمسازی، اونقدر جذابیتش برام بالا بود که شد همه چیزم.

حالا بعد گذشت این همه سال اصلاً خودمو بابت اینکه نتونستم زدن ساز رو یاد بگیرم سرزنش نمی‌کنم. ولی در روح و روانم آسوده‌ام که من رفتم طرف آموختن انواع آلات موسیقی، ولی یا عاشقم نکردن یا استعدادش رو نداشتم... یا هزار تا دلیل دیگه. مهمترین بخش ماجرا اینه که من تلاشم رو کردم و موسیقی نشده حسرت برام، مسئله مهمی که الان گریبان خیلی از آدم بزرگا رو گرفته. اون‌ها مدام دوران کودکی و نوجوانی‌شون رو به خاطر میارن که جرأت آزمایش به خودشون ندادن. که از فرصت به وجود اومده به خوبی بهره نبردن. که جلو نرفتن و تلاش نکردن.

حالا من برای تک تک نوجوان‌هایی که تو راه المپیاد فیلمسازی پا پیش گذاشتن احترام عجیبی قائلم. اون‌ها جسارت نزدیک شدن رو از خودشون نشون دادن. اومدن توی میدان محک و من بهشون میگم: «دمتون گرم، بهترین فرصته که خودتون رو ارزیابی کنید. دوست دارید و عاشقید یا نه؟ استعداد و شوق دارید یا نه؟ حرفی برای گفتن تو فیلمسازی دارید یا نه؟ در طول مدت فشرده و داشتن امکان محک در جشنواره خیلی چیزای دستگیرتون میشه.»



بیاین به لحظه چشمامونو ببندیم!

● حامد جعفری

فکر کنیم که تو به چشم به هم زدن، ۵۰ سال رفتیم جلو و رسیدیم به سال هزار و چهارصد و پنجاه خورشیدی و همه مون پیر و کهنسال شدیم... پس همین طور که چشمامون بسته است، به نگاهی ام به خودمون بپردازیم و به این فکر کنیم که دوست داریم تو سال ۱۴۵۰، دقیقاً تو چه موقعیتی باشیم؟ واضح تر بگم، دوست داریم چه دنیایی رو برا خودمون ساخته باشیم؟ یا چه آرزوهایی رو دنبال کرده باشیم؟ به اینم فکر کنیم، که تو اون سال چه حسرت‌هایی، هنوز تو دلمون باقی مونده؟ خوب، حالا وقتشه چشمامونو باز کنیم. همین الان، به بسته فرصت ۵۰ساله، هممون هدیه گرفتیم... ۵۰سال وقت برای اینکه پاشنه‌ها رو رو بکشیم و همه آرزوهایی که داریمو خودمون بسازیمشون و به همه چیزایی که می‌خواهیم برسیم... چون، قراره وقتی سال ۱۴۵۰ شد، دیگه حسرت نخوریم... آماده‌این؟!

همراه یک دوست همیشه همپا از سانس اول وارد سینما می‌شدیم و یک فیلم را سه سانس پشت سر هم می‌دیدیم؛ البته بعد از آنکه از در پشتی مدرسه جیم می‌شدیم و دوان دوان خود را به سانس ساعت ۱۰ صبح می‌رساندیم. بهترین روزهای مدرسه همان فرارهای سینمایی بود...

چی؟... از این حرفها نزنم؟ بدآموزی داره؟ چشم... چشم... عشق و علاقه به فیلم و سینما آنچنان در من شعله‌ور بود که همه کتاب‌های سینمایی کتابخانه عمومی شهرمان را چندبار چندبار خوانده بودم و هیچ فیلمی را هم در اکران‌های دو سینمای داغان و قدیمی شهر از دست نمی‌دادم. لذت بخش‌ترین درس‌ها هم در مدرسه برای من، ریاضی، شیمی و زیست بودند؛ آن زمان‌هایی که همگی مشغول حل کردن مسائل سخت علمی بودند و دبیرها هم سرشان در افکار خودشان. بهترین موقع برای ورق زدن مجلات سینمایی و خواندن آخرین خبرها و نقدها به درست‌ترین استفاده از آن زمان‌های مرده امتحان. قبل از وارد کردن جواب‌های صحیح به برگه امتحانی که از شاگرد زرنگ کلاس تقلب می‌کردم.

ای بابا... اینم نگم؟... همه‌اش شد بدآموزی... چشم چشم... حواسم هست... نوجوانان عزیز و گرانقدر که قرار است آینده این سرزمین روایی را با توانایی‌های علمی و فنی خودتان طلایی کنید؛ به شما نصیحت می‌کنم که درس‌هایتان را سفت و سخت و جدی بخوانید. در همه کلاس‌هایتان بدون استثنا حاضر باشید و سعی کنید با تلاش و ممارست به مدارج بالای علمی برسید.

بی خیال سینما و فیلمسازی. اصلاً کاری به کار سینما نداشته باشید. به درد نمی‌خورد.

سینما برای ایجاد لحظات روایی کاربردی ندارد. توانایی این را ندارد که خیال شما را بال و پر بدهد. نمی‌تواند ایده‌ها و داستان‌هایی که در ذهن دارید و قلق‌کشان می‌دهد را به تصویر بکشد. سینما به عنوان یک سرگرمی سالم، لذت بخش و آموزنده قابل اتکا نیست و شما را از فرهنگ و هنر کاملاً دور می‌کند و خیلی دیگر از این حرفها. سرتان به درس و مشقتان باشد فقط. اصلاً سرتان را بلند نکنید!

بهترین اوقات مدرسه رفتن من

● نواب محمودی



به دوره کودکی و نوجوانی ام که فکر می‌کنم، همیشه فیلم و سینما در جای جای آن روزهای من حضوری پررنگ داشته است. نشستن در سالن تاریک سینما و چشم دوختن به جادویی که بر روی پرده نقره‌ای نقش می‌بست، بهترین و لذت‌بخش‌ترین لحظات آن روزهای مرا می‌ساخت. دیدن فیلم‌ها و بعد از آن خواندن درباره همان فیلم‌ها و فیلم‌هایی که آن موقع امکان دیدن‌شان برایم وجود نداشت، تنهایی ام را پر می‌کرد و مرا سوار بر سیم‌غ خیال به سرزمین رویاهای رنگی و پرکشش و پر کشمکش فیلم‌ها می‌برد. بدون شک بهترین اوقات مدرسه رفتن من، آن روزهایی بود که به

● مهدی گلی

پیام‌های نوجوانان



سلام

از تک تک عوامل اجرایی المپیاد، منتورها و مربیان عزیز که در این سه روز خیلی کمکمون کردن و از همه مهم‌تر این فرصت رو در اختیارمان گذاشتن، نهایت تشکر و قدردانی را دارم. امیدوارم تنتون سلامت باشه و سال‌های بعد هم این المپیاد ادامه داشته باشه. هرچند المپیاد آنلاین برگزار شد، ولی ما تونستیم با پیشکسوتان عرصه هنر و سینما بیشتر آشنا بشیم و دوستان جدیدی را پیدا کنیم.

دمتون گرم 🌹

● کسرا علیزاده



سلام؛

ضمن تشکر از تمام عوامل اجرایی المپیاد و اساتید محترم خیلی خوشحالم که در این دوره حضور پیدا کردم. کارگاه‌های آموزشی خیلی مفید و کارگاه‌های انتقال تجربه اساتید هم عالی بودند. خیلی چیزها یاد گرفتم و حتما در پنجمین المپیاد با استفاده از آموخته‌های این چند روز با آثار بهتر و قوی‌تر شرکت خواهم کرد.

ممنون از اساتید عزیزم آقایان رضایی و رضایی و تمام زحماتشان المپیاد که برگزاری‌اش در شرایط کرونایی و به صورت آنلاین بسیار سخت‌تر از حضوری بود. 🙏🥰🥰

● ثمینا شعیفی



اساتید عزیز و مهربان 🌸

استاد گلستان ❤️

و

استاد آهی ❤️

من خیلی خوشحالم که سه روز متفاوت رو با شما و بقیه دوستان گروه خوب «هم سینمایی» بودم.



از همه شما چیزهایی جدید یاد گرفتم و حرف‌های جدید شنیدم که برای من خیلی آموزنده بود. از شما دو استاد عزیز خیلی خیلی ممنونم به خاطر همه زحمات هابی که کشیدید و وقت خودتون رو برای ما گذاشتید تا ما بتونیم راه درست رو تو علاقه مون پیدا کنیم.

ممنون ازتون که با انرژی مثبت به ما آموزش دادید و ما از این به بعد به خودمون افتخار می‌کنیم که



این دوره رو با شما گذروندیم.

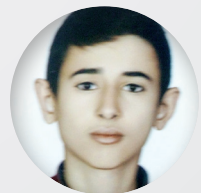
از تمامی بزرگان دست اندرکار المپیاد که با تلاش و برنامه ریزی سخت در روزهای کرونایی برای ما نوجوانان

سه روز پر از خاطره، آموزش، یادگیری و امید ساختند، تشکر می‌کنم.



با آرزوی سلامتی همه خوبان 🌱

● سید مهدی موسوی‌زاده



سلام خدمت همه کسانی که این چند روز واقعا زحمت کشیدند. این روزها واقعا هر کاری سخته. توی

این سه روز به من خیلی خوش گذشت. یک دنیا ممنون 🍀🍀🍀🍀🍀🍀🍀

● مهشاد سعادت ملکی



سلام

از عوامل برگزار کننده جشنواره برای برنامه ریزی و تدارک این دوره از المپیاد بی نهایت سپاسگزارم 🙏



زحمتهای شما رو فراموش نخواهم کرد ✨

آشنایی با شما عزیزان و حضور در این دوره المپیاد سعادت بزرگی بود. شاد باشید



پاداش کشوری که بر روی نوجوانانش سرمایه گذاری می کند

● مهدی رضایی

نوجوانی یعنی رهایی از قید و بندهای بزرگسالی، جستجوگری و تلاش برای ساختن آینده‌ای نزدیک در بزرگسالی و میانسالی. نوجوان‌ها را باید درک کرد، ترس‌ها و بحران‌هایشان را باید شناخت و با مهربانی و رفاقت آنها را برای ورود به مرحله جوانی و بزرگسالی هدایت و همراهی کرد. نوجوانی که جویای هنر می‌شود با تلاش، پشتکار و مداومت در بزرگسالی هنرمندی می‌شود اثرگذار و خلاق. کشف و حمایت از نوجوان‌های فیلمساز و هنرمند سرمایه‌گذاری پرسود و منفعتی است که با گذر زمان آثارش آشکار و آشکارتر خواهد شد. توسعه فرهنگی و افتخارات ملی پاداشی است برای کشوری که بر روی نوجوانانش (به ویژه در حوزه هنر) سرمایه گذاری می‌کند. ای کاش همه نوجوان‌های این سرزمین می‌توانستند از چنین توجه و حمایتی برخوردار شوند، چه آنها که در شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند و چه آنهایی که در مناطق محروم با رنج و درد دست به گریبان هستند.



نوجوان امروز باید موج سوار خوبی باشد

● شهلا پورآرین



نوجوان امروز در دنیای شگفت و پرزرق و برقی بالنده می‌شود که سرعت بسیار بالایی دارد. پس باید آنقدر قدرت انطباقش بالا باشد که از گود زندگی بیرون نماند. نوجوان امروز باید موج سوار خوبی باشد تا بتواند در برابر متغیرهای بی‌شمار اطرافش متعادل بماند... نوجوان امروز مهارت ذهنی بالایی دارد و به سرعت الگوهای ذهنی خلاق بر پایه شرایط جامعه می‌سازد. از دیدگاه من نوجوانی که با چنین سرعتی سعی در انطباق با فناوری دارد همانقدر فرامرزی فکر خواهد کرد. گستره اخلاق را با هوش خودش درک خواهد کرد و با هنر و تفکرش دنیای زیباتری خواهد ساخت... دنیای زیبایی که این المپیاد برای نوجوان‌ها می‌خواهد عرصه بزرگ خودباوری را پیش رویشان خواهد گسترد... به امید داشتن پررنگ‌ترین اجتماع نوجوان‌های باخلاق و متفکر...

بذر مهر بکار تا اندیشه و احساسات شکوفا شود

● میرعباس خسروی‌نژاد



امروز روز توست، نه آرزویی را غیر ممکن می‌بینی و نه هیچ هدفی را دور. کنجاوی برای توست، پس قدر پرسش‌هایت را بدان، این آغاز راه دشواری است که روبرویت می‌بینی. دگرگونی کار تو و آنچه انجام می‌دهی برای آینده توست. بذر مهر بکار تا اندیشه و احساسات شکوفا شود. در این مسیر دشوار نردبانی محکم بساز تا پله پله غرق گل شوی و برای آنکه چشمانت لبریز از ستاره شود، دستی دراز کن برای چیدن ستاره‌ها...

اهدافی که بوی صلح و عشق می دهد

● عادل تبریزی



هر آنچه از عشق و امید و استعداد و رهایی جوانه می‌زند از سالهای آرامش نوجوانیست، آرامش برای اهدافی که قرار بر رساندن ما به آرامش است. اهدافی که در رویاهایمان بوی صلح و عشق می‌دهد. در نوجوانی قهرمان‌هایمان را در سینما دیدیم که قهرمان زندگی خود شویم و امروز باید رد قهرمان‌های زندگی را باز هم در سینما بزنیم. قدردان سن نوجوانی هستیم که برای رویای تماشای رنگین کمان، من را در انتظار باران نگذاشت. در تمام سال‌های عمرم نوجوان می‌مانم که باز هر آنچه بوی زندگی دهد در همان سال‌هاست... ارادتمند. نوجوان ۳۷ ساله

لذت عاشق شدن

● حافظ آهی

یکی از مهم‌ترین مسئله‌های زندگی که کمتر پیش می‌آید کسی درباره آن حرف بزند، یا تلاشی برای یاد گرفتن و یاد دادن آن کند، کشف راز «لذت بردن» است. لذتی که یک عمر دنبال آن می‌گردیم و نمی‌دانیم از کجا و چطور پیدایش کنیم. لذت بردن از زندگی، سخت ساده است اگر راهش را کشف کنیم. از بین این راه‌ها، می‌خواهم یکی را که برای خودم لذت‌بخش‌ترین است با شما شریک شوم: سینما.

سینما به ما کمک می‌کند خودمان را و دنیای اطرافمان را کشف کنیم.

سینما ما را به آدم‌هایی که نمی‌شناسیم پیوند می‌دهد.

سینما راه باز می‌کند برای عاشق شدن.

سینما بال پرواز می‌دهد به خیال‌مان و آن لحظه‌هایی که لازم داریم به

رؤیا پناه ببریم، پناهگاهمان می‌شود.

سینما تجربه‌های تازه‌ای برایمان می‌سازد و دستمان را می‌گیرد تا

راه‌های شگفت‌انگیزی طی کنیم.

سینما زبانی همه‌فهم می‌شود برای حرف زدن از خودمان، بی‌شرم و خجالت.

سینما دنیایی وسیع و بی‌مرز و دیوار پیش پایمان می‌گذارد و رشدان

می‌دهد.

راز لذت بردن از زندگی، چشم چرخاندن در دنیا از دریچه‌های مختلف است و

سینما یکی از این پنجره‌هاست با قابی سحرآمیز. همین است که لحظه‌هایی

جادویی می‌سازد و آدم را عاشقانه با خود همراه می‌کند. چه لذتی بالاتر از

این!

همه یک دست شویم

● فریبرز آهین

سهراب، زمین و آسمان‌اش را به هم دوخت تا شاید
طرحی نو در اندازد...

اما تراژدی خلق شد.

حال به خود و جهانیان قول می‌دهیم: سهراب و
گردآفرید هایمان را ببینیم و بشنویم...

تا همه یک دست شویم... برای خلق جهانی
درخشان با ستونی از جان و خرد...

نقش اول این روزها مون، شماهایی

● تی‌پام یابنده



زمین - زمان پاندمیک کرونا - ایران (جشنواره فیلم کودک)

سالن‌های سینمایی با فضای جشنواره‌ای اما صندلی‌های خالی در سکوت بود تا درهای سالن‌ها باز شدند و بیگانه‌هایی کروی شکل با شاخ‌های کوچک تاج‌مانند گروه گروه شروع به نشستن بروی صندلی‌ها و آماده دیدن فیلم شدند. سالن‌ها بدون بچه‌ها (کودک و نوجوان) معنایی نداشت. پرده‌ها به کنار می‌روند و فیلم آماده پخش می‌شود، بیگانه‌های کروی شکل شروع به لب‌خند زدن کردند که سفیدی شروع فیلم، چهره ترسناک و کثیف هیولاهای گرد کوچک را روشن کرد در همین زمان صدای پارازیت روی تصویر و از بین رفتن و به هم ریختن آن بر روی پرده سینما تاثیر عجیبی روی کوتوله‌های تاج‌دار می‌گذاشت و منجر به فرارشان می‌شد.

ناگهان چهره سوپر قهرمانی با ماسک سفید پخش می‌شود و این بار او لب‌خند می‌زد، تعداد سوپر قهرمان‌ها آرام آرام بیشتر و بیشتر می‌شود که از پشت مونی‌تور به بیگانه‌های کوچک نگاه می‌کنند.

صدای خنده بچه‌ها مثل سیل توی سالن‌های سینما موج می‌زد.

کات به: پشت در اتاق، صدای خنده‌ای را می‌شنویم، در اتاق باز می‌شود و سوپر قهرمان که روبروی مونی‌تور نشسته است، ماسکش را کنار صندلی‌اش می‌گذارد.

چهره کودکی خندان را می‌بینیم که مشغول به دیدن فیلم‌ها جشنواره است.

رفقای نوجوان مطمئنم که می‌دونید نقش اول این سکانس از زندگی این روزها مون، شماهایی. سوپر قهرمانانه ادامه بدین...

شورای برنامه ریزی محتوایی

چهارمین المپیاد فیلمسازی نوجوانان



سعید پوراسماعیلی



محمد رضا کریمی صارمی



حبیب ایل بیگی



سهیلا عسکری



حسین شیخ الاسلامی



وحید گلستان



داود ضامنی

جدول برنامه

چهارمین المپیاد فیلمسازی نوجوانان - ۲۷ تا ۳۰ مهر ۱۳۹۹

تاریخ	ساعت	استراحت	۹:۴۵/۱۰:۴۵	استراحت	۱۱/۱۲	استراحت	۱۴/۱۵:۳۰	۱۶/۱۸
یکشنبه ۲۷ مهر								افتتاحیه
دوشنبه ۲۸ مهر	کلاس ۱		کلاس ۲		کلاس ۳		نشست انتقال تجربه با مرضیه برومند	نمایش فیلم نقد و بررسی
سه شنبه ۲۹ مهر	کلاس ۴		کلاس ۵		کلاس ۶		نشست انتقال تجربه با ایرج طهماسب	نمایش فیلم نقد و بررسی
چهارشنبه ۳۰ مهر	کلاس ۷		کلاس ۸		کلاس ۹		نشست انتقال تجربه با رسول صدرعاملی	نمایش فیلم‌های منتخب جشنواره رشد
پنجشنبه ۱ آبان								اختتامیه



مقالات

● بهمن عبداللهی

اهمیت پیدا کردن داستان خوب یا چگونه از ادبیات کهن برای ساخت فیلم استفاده کنیم؟

بدون شک تمام کسانی که علاقه‌مند به سینما هستند یا اندک دانشی از مقوله فیلمسازی دارند با عباراتی همچون «داستان فیلم»، «فیلمنامه»، «طرح» یا «قصه» برخورد کرده‌اند. هر چند این واژه‌ها معنای متفاوتی نسبت به هم دارند، اما در واقع همه این عناوین یک مفهوم کلی را نمایندگی می‌کنند که همانا اسکلت اصلی یا مهم‌ترین ماده ساخت یک فیلم است. فیلمنامه؛ موضوع مهمی در سینمای ایران است که نسبت به آن توجه کافی نشده و شما اگر مخاطب نوجوان این مطلب هستید، بد نیست بدانید که سینما فقط فیلم ساختن و کارگردانی کردن نیست و نوشتن یا فیلمنامه‌نویسی هم جایگاه بسیار مهمی در این هنر به شمار می‌آید. همانطور که اشاره شد فیلمنامه در فرایند تولید فیلم مانند پی (فونداسیون) در ساختمان یا استخوان‌بندی (اسکلت) در بدن انسان است. بنابراین برای ساخت یک فیلم خوب پیش از همه چیز باید به داستان قوی و فیلمنامه استخوان‌دار فکر کرد. راه‌های مختلفی برای پیدا کردن یک داستان خوب وجود دارد؛ از دقیق شدن در زندگی خود و دیگران گرفته تا مطالعه مجلات و روزنامه‌ها، دقت کردن در اخبار رسانه‌ها و توجه کردن به فیلم‌های موفق. شاید حتی راه‌های دیگری هم وجود داشته باشد، اما در اینجا می‌خواهم درباره استفاده از ادبیات به طور عام و قصه‌های کهن ایرانی به طور خاص اشاراتی داشته باشم.

استفاده از ادبیات در سینمای ایران و جهان

نگاهی به فهرست موفق‌ترین فیلم‌های سینمای جهان نشان می‌دهد، بسیاری از آثار این فهرست بلند شامل فیلم‌های اقتباسی می‌شوند. به معنای ساده‌تر مجموعه‌ای از فیلم‌هایی که سر و صدا به پا کرده‌اند یا با اقبال عمومی از سوی مخاطبان مواجه شده‌اند بر اساس رمان‌ها و افسانه‌ها و حتی اسطوره‌های کهن ساخته شده‌اند. مثلاً شاهکارهایی مثل «پدرخوانده» بر اساس رمانی به همین نام نوشته «مارکو پوزو»، «بر باد رفته» از روی کتاب «مارگارت میچل» و «جادوگر شهر اوز» بر اساس اثر ادبی «آل فرانک باوم» ساخته شده‌اند. همچنین «دیوانه از قفس پرید»، «غلاف تمام فلزی»، «آرواره‌ها»، «رستگاری در شاونگ» و ده‌ها اثر جاودانه دیگر. حتی آثار مشهور ابر قهرمانی که در سال‌های اخیر مورد توجه کودکان و نوجوانان قرار گرفته‌اند مثل: «هری پاتر»، «ارباب حلقه‌ها» و «مرد عنکبوتی» از کتاب‌های داستان و مصور به روی پرده سینما راه پیدا باز کرده‌اند. البته همه آثار اقتباسی هم موفق نبوده‌اند و فیلم‌های شکست خورده مثل «کد داوینچی» هم در میان آن‌ها هست.

اما در سینمای ایران اقتباس و توجه به کتاب‌های داستان و آثار ادبی کمتر مورد توجه بوده و این رویکرد را می‌توان یکی از دلایل ضعف فیلمنامه‌ها و در ادامه معضلات فیلم‌های ایرانی دانست. با این حال آثار موفق‌ی مثل «گاو» از «داریوش مهرجویی» که بر اساس قصه «عزاداران نیل» نوشته «غلامحسین ساعدی» ساخته شده را می‌توان مثال زد. همچنین فیلم‌هایی مثل «سارا» و «پری» کارهای دیگر مهرجویی، «خمیره» ساخته «ابراهیم فروزش»، «مریای شیرین» از «مرضیه برومند» و مجموعه «قصه‌های مجید» به کارگردانی «کیومرث پوراحمد» همه از نوشته‌های «هوشنگ مرادی کرمانی» بهره برده‌اند. حالا ممکن است مخاطبان نوجوان از خود بپرسند؛ ما که نمی‌خواهیم فیلم سینمایی بسازیم در ادامه به این موضوع هم می‌پردازیم.

ادبیات داستانی در فیلم کوتاه

در حوزه فیلم‌های کوتاه سینمای ایران و جهان هم به آثار ادبی توجه شده است و این رویکرد رسمی معمول است، در بخش داستانی، مستند یا انیمیشن. هر چند این توجه نسبت به فیلم‌های بلند کمتر است

- که دلایل خودش را دارد و در اینجا مجال بررسی آن نیست. اما به هر حال از روی داستان‌های کوتاه و قصه‌های محلی به وفور فیلم ساخته شده است. حتی بسیار دیده شده که از داستان کوتاه برای ساخت فیلم بلند استفاده شده و یا برعکس بخشی از یک داستان بلند دستمایه فیلمی کوتاه قرار گرفته است. برای مثال می‌توان فیلم کوتاه موفق «یه روز قشنگ برفی» به کارگردانی امیر توده روستا و ماهایا پطروسیان را نام برد که بر اساس داستان «بچه مردم» نوشته «جلال آل احمد» ساخته شده است.

همانطور که پیش‌تر اشاره شد، فیلمنامه نقش مهمی در خوب شدن یک فیلم دارد و البته استفاده از آثار ادبی، داستان و روایت‌های مکتوب می‌تواند برای نوشتن یک فیلمنامه خوب بسیار مهم باشد. این تاکید بدین معنا نیست که یک فیلمساز نوجوان و تازه کار لزوماً باید به دنبال رمان‌های قطور و بلند برود. قاعدتاً داستان‌های کوتاه برای فیلم کوتاه مناسب‌ترند. برای پیدا کردن یک داستان خوب می‌توان هزاران کتاب و مجموعه داستان ایرانی و خارجی را در کتابفروشی‌ها، کتابخانه‌ها یا حتی سایت‌های اینترنتی پیدا کرد.

آیا می‌توان هر داستانی

را به فیلم تبدیل کرد؟

جواب این پرسش به طور قطع منفی است. بدون شک پیش از همه چیز، داستان‌ها و قصه‌ها برای خواندن نوشته می‌شوند ولی پس از آن ممکن است شکل تصویری پیدا کنند. اما اگر قرار باشد بر اساس یک داستان فیلمی ساخته شود باید مواردی را در نظر گرفت. از جمله اینکه قابلیت تصویری داشته باشد، امکانات لازم در اختیار سازنده باشد، مساله تازه‌ای را مطرح کند، قبلاً کسی به سراغ آن نرفته باشد و مواردی از این دست. اما مهم‌ترین نکته‌ای که باید به آن توجه داشت اینکه اثر ادبی و داستانی که اسم نویسنده پای آن قرار دارد، نمی‌توان بدون اجازه صاحبش از داستان یا شخصیت‌های کتاب در فیلم استفاده کرد. البته بسیاری از نویسندگان و مالکان آثار ادبی چشم‌داشت مالی زیادی از فیلمسازان ندارند و به سادگی با سازنده اثر همکاری می‌کنند. با این حال لازم است مجوز لازم را از نویسنده به دست بیاوریم. اما خبر خوب این است که برای استفاده از داستان‌های کهن و ادبیات تاریخی یا افسانه‌های محلی نیازی به کسب مجوز نیست. پس بهتر است برای شروع کار به سراغ آثار کهن ایرانی بروید.

بهره‌گیری از ادبیات کهن و قصه‌های محلی

یکی از اشکالات زندگی نسل جدید غریبه بودن آنها با ادبیات کهن ایرانی و قصه‌هایی است که نسل‌های قدیمی‌تر از زبان مادربرگ‌ها می‌شنیدند یا اینکه اهل مطالعه هستند. به هر حال فرهنگ و ادبیات ایران زمین سرشار از حضور نویسندگان بزرگ و داستان‌های جذاب است. کافی است واژگانی چون «ادبیات کهن ایران»، «داستان‌های قدیمی» و ... را در جستجوگرهای اینترنتی سرچ کنید. آنوقت با مجموعه بزرگی از این نوع آثار مواجه خواهید شد، از قصه‌های «شاهنامه» گرفته تا «کلیله و دمنه» و از «قصه‌های مرزبان نامه» تا «قابوس‌نامه» و البته قصه‌های محلی چون افسانه‌های آذربایجان، افسانه‌های کردی و ... حتی می‌توان به سراغ سالمندان دور و نزدیک رفت تا قصه‌هایشان را تعریف کنند. بدون شک روایات پیرمردها و پیرزن‌های فامیل از ضرب‌المثل‌ها و داستان‌های قدیمی می‌تواند منبع الهام مناسبی برای پیدا کردن موضوع و خلق یک داستان تازه باشد.

چگونه از داستان قدیمی

فیلم بسازیم؟

در اینجا نمی‌خواهیم روش و اصول نوشتن یک طرح داستانی یا فیلمنامه را برای ساخت فیلمی کوتاه آموزش دهیم. برای این منظور اساتید و کتابها و منابع معتبری در اطراف شما قرار دارند که می‌توانید کمک بگیرید. بلکه در همین حد اشاره می‌کنیم که برای تبدیل یک داستان به طرح یا فیلمنامه چند روش وجود دارد. می‌شود عین آن داستان را به تصویر کشید (اقتباس)، می‌توان بخشی از آن را انتخاب کرد و به فیلم برگرداند (گزینش کردن)، می‌توان آن را با توجه به شرایط امروز تغییر داد (با نگاهی به آن) یا بر اساس اصل پیام و محتوا متن تازه‌ای نوشت (برداشت آزاد). حتی می‌شود یکی از شخصیت‌ها را از آن دوره برداشت و به زمان امروز آورد (مثل انیمیشن «بدو رستم بدو» ساخته حسین ملایمی که از جشنواره‌های زیادی جایزه گرفته و ماجرای رستم داستان را روایت می‌کند که در تهران امروز به دنبال تهیه نوشداروست). بنابراین از همین امروز می‌توانید به عنوان نویسنده‌ای خوب در سینما راهتان را انتخاب کنید.

نکته کلیدی

و حرف آخر؛ تا می‌توانید کتاب داستان بخوانید.



انواع فیلم در جهان سینما بر اساس

و قالب‌ها بسترها

● برسام عبداللہی

سینما مثل هر هنر دیگری اصول و قواعد خود را دارد. برای یادگیری یک زبان نیاز به آموختن الفبای آن داریم، سینما هم مثل زبان آموزی نیازمند تکمیل یک فرایند است. برای آنکه یک فیلم ساخته شود قبل از هر چیزی باید انتخاب کنیم در چه قالبی و چه مدت زمانی آن را تولید خواهیم کرد. در این نوشتار سعی کرده‌ایم به طور اجمالی شما را با دسته‌بندی فیلم‌ها به لحاظ مدیوم (بستر) و نیز انواع قالب‌ها آشنا کنیم.

تفکیک انواع فیلم به شیوه منسوخ شده:

بد نیست بدانید که از زمان اختراع سینما تا همین بیست سی سال پیش مواد اصلی ساخت فیلم نوار سلولوئید یا همان نگاتیو بود. احتمالاً در گنجی بزرگ‌ترها نوارهای نگاتیو عکاسی را دیده باشید. دقیقاً چنین چیزی داخل مخزن دوربین قرار می‌گرفت، بنابراین فیلم‌ها بر اساس قطع نگاتیو دسته‌بندی می‌شدند. پیش از ظهور نوار مغناطیسی و دیتاهای دیجیتالی، انواع فیلم به ۸ میلی‌متری (عموماً برای آموزش تازه‌کارها یا ثبت تصاویر خانوادگی)، ۱۶ میلی‌متری (برای آموزش دانشجویان یا ساخت مستندهای خبری و فیلم‌های آموزشی) و ۳۵ میلی‌متری (برای پخش در سینما) دسته‌بندی می‌شدند. یک نوع فیلم هم بود که به آن ۷۰ میلی‌متری (یا پرده عربی) می‌گفتند و عموماً شامل فیلم‌های سه بعدی می‌شد که برای تماشای آن در سینما به عینک‌های مخصوص نیاز بود.

دسته‌بندی به لحاظ زمان

اساساً وقتی در اینجا از واژه «فیلم» استفاده می‌کنیم، منظورمان هر نوع تصویر متحرک است.

آموزشی و ... استفاده می‌شود. بد نیست بدانید بیشترین بیننده آثار تصویری در تمام دنیا کسانی هستند که فیلم کوتاه را دنبال می‌کنند. دلایل روشن است. عصر فضای مجازی و دنیای ارتباطات که وقت و حوصله کافی برای دنبال کردن هر چیزی را ندارد. فیلم کوتاه کوتاه (شُرْت فیلم)، یعنی همه آثار تصویری که در یک دقیقه یا کمتر ساخته شده‌اند. انواع تیزرها، وله‌های تصویری، حتی فیلم‌های داستانی مینی‌مال جزو این دسته قرار می‌گیرند و جشنواره‌های زیادی در سراسر دنیا وجود دارد که فقط این نوع آثار را می‌پذیرند، مثل جشنواره فیلم‌های ۱۰۰ ثانیه‌ای یا جشنواره فیلم‌های موبایلی در کشور خودمان.

قالب‌های سینمایی

تمام آثاری تصویری که در دنیا ساخته می‌شوند شامل ۴ دسته کلی می‌شوند. اگر فیلم، دیتاهای متحرک یا تصاویر را به عنوان مواد اولیه (متریال) تعریف کنیم، نیازمند قالبی هستیم که مواد در آنها ریخته شده و شکل بگیرند. درست مثل گل خاک رس که در قالب‌های آجر ریخته می‌شوند و شکل مکعب مستطیل به خود می‌گیرند. حالا ممکن است این گل در قالب منحنی شکل ریخته شوند و شکل بلوک سقف

امروزه فیلم‌ها بر اساس طول زمان در برگرفته یا تایم نمایش به این ترتیب تقسیم بندی می‌شوند:

فیلم بلند، فیلم نیمه بلند، فیلم کوتاه، فیلم خیلی خیلی کوتاه

فیلم بلند (فیچر فیلم) یا فیلم سینمایی (تئاتریکال فیلم)؛ به آثاری گفته می‌شود که بیشترین زمان را را دربرگیرند و معمولاً داستان داشته باشند. در سینمای ایران فیلم‌های بلند اغلب ۹۰ دقیقه‌ای هستند. اما یک فیلم بلند از نظر آکادمی اسکار می‌تواند حداقل ۴۰ دقیقه باشد و در مقابل اتحادیه بازیگران جهانی آن را ۷۵ دقیقه می‌داند. ممکن است یک فیلم بلند ۱۲۰ دقیقه یا ۱۸۰ دقیقه و بیشتر هم باشد. (تعجب نکنید، حتی فیلم ۷ ساعته هم در تاریخ سینمای جهان داریم).

فیلم نیمه بلند، آثاری را شامل می‌شوند که بین ۱۵ تا ۴۰ دقیقه هستند. این نوع معمولاً در تلویزیون یا مقاصد آموزشی کاربرد بیشتری دارند. هر چند در ساخت فیلم‌های داستانی نیز چنین زمانی مرسوم است.

فیلم کوتاه (شُرْت فیلم)؛ آثاری را شامل می‌شود که از دو تا ۱۵ دقیقه تایم داشته باشند. این نوع فیلم‌ها معمولاً برای تولید آثار هنرجویان، دانشجویان، تازه‌کارها، مقاصد تبلیغاتی و

یک خانه شیروانی‌دار پیدا کنند یا در هر قالب دیگری شکل خاص خود را پیدا کنند.

در سینما اساساً فیلم‌ها بر اساس ۴ قالب اصلی تقسیم بندی می‌شوند که هر یک ویژگی‌ها و اصول خاص خودشان را دارند که از این قرارند: داستانی، مستند، انیمیشن، تجربی

قالب مرسوم داستانی

فیلم «داستانی» همانگونه که از اسمش پیداست یک داستان کلاسیک را تعریف می‌کند. یعنی ماجراها و شخصیت‌ها کنار هم قرار می‌گیرند تا یک موضوع بیان شود. عموماً برگرفته از ماجراهای واقعی است که پیرامون ما اتفاق می‌افتند هر چند ممکن است برخی داستان‌ها به افسانه‌ها، مسائل غیرواقعی یا اتفاقات غیرمحتمل بپردازند.

فیلم‌های داستانی بر اساس گونه به انواع مختلف تقسیم‌بندی می‌شوند که اصطلاحاً به آن «ژانر» می‌گویند. هر چند این دسته‌بندی بیشتر در آثار سینمایی کاربرد دارد اما در بسیاری از رویدادهای سینمایی یا جشنواره‌ها همه فیلم‌ها را بر اساس نوع ژانر آن تقسیم بندی می‌کنند. انواع ژانرها عبارتند از:

- درام (که شخصیت‌ها با مسائل احساسی و واقعی درگیرند)

- ملودرام (بر احساسات شدید و معمولاً اشک‌انگیز استوار است. بیشتر در فیلم‌های خانوادگی کاربرد دارد)

- موزیکال (داستانی که محور آن آواز خواندن، موسیقی یا حرکات موزون باشد)

- عاشقانه (داستان بر جنبه‌های عاشقانه اهمیت تاکید دارد. اسم دیگرش رمانتیک است)

- علمی تخیلی (بر اساس علم و دانش و مسائل غیر واقعی یا تخیلی)

- فانتزی (بر اساس ماجراهای عجیب که پایه آن جادو، مسائل فراطبیعی، خیال‌پردازانه و موجودات افسانه‌ای است)

- ماجراجویی (داستان‌های هیجان‌انگیز که بر اساس موقعیت‌های جدید و مناطق عجیب باشد. بسیار شبیه به آثار حادثه‌ای با این تفاوت که به جای خشونت و مبارزه ماجراها از طریق سفر، اکتشاف، ایجاد امپراطوری و... داستان روایت می‌شود)

- حماسی (عموماً درباره قهرمانان واقعی یا تاریخی)

- جنگی (درباره جنگ و مبارزان و سربازان. در ایران به آن دفاع مقدس هم گفته می‌شود)

- وسترن (مخصوص سینمای آمریکا که درباره هفت‌تیرکش‌ها و کلانترهای محلی دوران قدیم است. بعدها در ایتالیا و کشورهای دیگر هم از این نوع داستان بسیار استقبال شد)

- کمدی (محور آن اتفاقات و موقعیت‌های

مضحک است و انواع مختلف دارد)

- بیوگرافیک (درباره داستان زندگی یک شخصیت مبتنی بر واقعیت)

- جنایی (محور آن یک یا چند قتل است و پلیس، وکیل، خبرنگار یا کارآگاه می‌خواهد قاتل را پیدا کند)

- ترسناک (داستانی با محوریت ترس و وحشت و نفرت)

- حادثه‌ای (با حضور یک یا چند شخصیت به عنوان قهرمان و مجموعه‌ای از درگیری‌های فیزیکی، رزمی، جنگی و تعقیب و گریز)

- خانوادگی (درباره مسائل کودکان و نوجوانان و اولیا و حتی پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها که می‌خواهند مشکلاتی را حل کنند و به آرامش برسند)

- اجتماعی (بررسی مسائل جامعه شناسانه مثل فقر و بزهکاری و اعتیاد و ... این نوع فیلم‌ها در سینمای ایران زیاد ساخته می‌شود و چه در میان فیلمسازان و چه تماشاگران طرفداران زیادی دارد)

فیلم‌های مستند

در میان عامه مردم فیلم‌های مستند را با عنوان «راز بقا» یا «حیات وحش» می‌شناسند. اما در واقعیت سینمای مستند گونه‌ها و شکل‌های مختلفی دارد. در بسیاری از کشورهای دنیا فیلم‌های مستند مثل فیلم داستانی در سالن‌های سینما اکران می‌شوند و فروش بسیار بالایی هم دارند. مستند ماهیت خود را از اتفاقات واقعی می‌گیرد؛ از تولد یک نوزاد گرفته تا افتادن بمب اتمی بر سر مردم هیروشیما. مستند هم انواع مختلفی دارد:

- مستند خبری (درباره اخبار روزمره از تولد یک پاندا در باغ وحش گرفته تا سیل و جنگ. معمولاً در شبکه‌های تلویزیونی و رسانه‌های جمعی کاربرد دارد)

- علمی/آموزشی (درباره علوم و تحقیقات جدید و دانش بشر. برای آموزش گروهی استفاده می‌شود)

- سیاسی (حول محور وقایع سیاسی یا دیدگاه صاحب‌نظران یا ترکیب هر دو)

- شاعرانه (نگاه زیبایی‌شناسانه به یک موضوع. نگاه هنری بر واقعیت ترجیح داده می‌شود)

- اجتماعی (درباره معضلات جامعه و جلب توجه افکار عمومی به یک مساله مهم)

- صنعتی (با موضوع صنایع و پیشرفت‌ها و مسائل مرتبط)

- جنگی (درباره جنگ و دفاع و قهرمانان نبرد)

- تاریخی (با محوریت مسائل تاریخی و پژوهش و بررسی اسناد تاریخی)

- تبلیغاتی (برای تبلیغ یک کالا یا موضوع و گاه فرهنگ‌سازی)

فیلم‌های انیمیشن

انیمیشن معمولاً در استودیو یا کارگاه ساخته می‌شود و در واقع جان‌بخشی به نقاشی و عروسک و اشیا است. انیمیشن از جمله حوزه‌هایی است که گرچه نیاز به بازیگر و فیلمبرداری معمول ندارد اما کاملاً تخصصی است و نیاز به افراد حرفه‌ای مثل نقاش، تصویرگر، دکوراتور و ... دارد. انواع انیمیشن عبارتند از: سنتی، دو بعدی، سه بعدی (سی جی آی)، موشن گرافیک، استاپ موشن

در انیمیشن سنتی تک تک نماها با دست نقاشی شده و پی در پی دنبال هم قرار می‌گیرند. مثل نقاشی روی برگه‌های دفترچه و ورق زدن سریع آن.

در گذشته روی طلق نقاشی می‌شد که بسیار زمانبر بود؛ مثل «تام و جری».

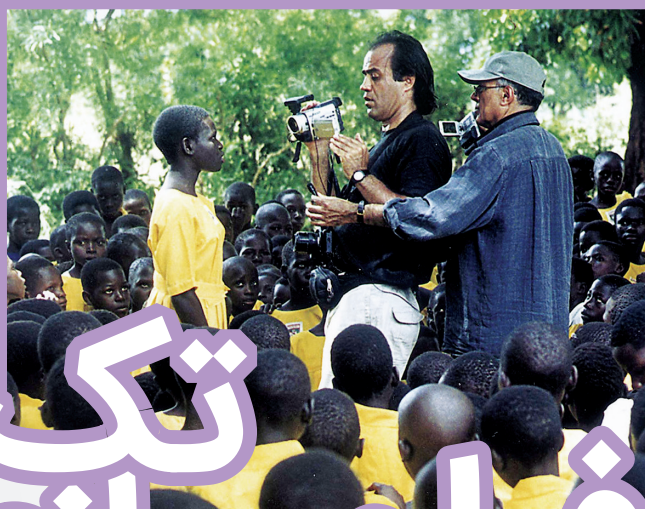
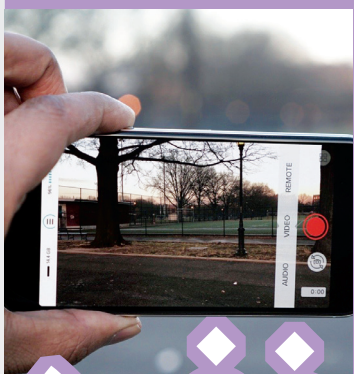
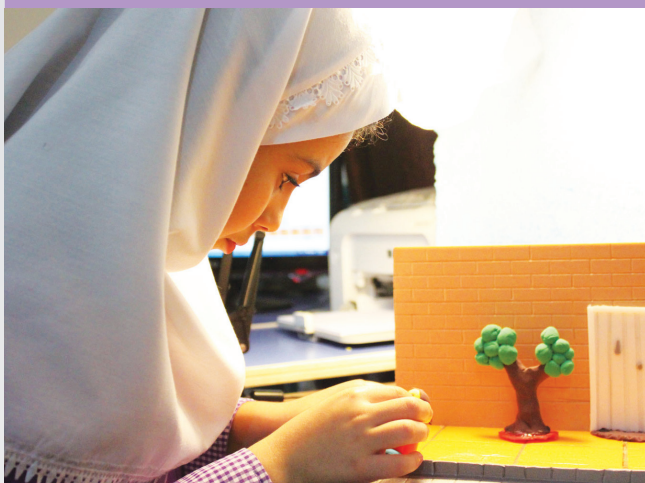
در انیمیشن دو بعدی؛ تصاویر تخت هستند و این روزها با استفاده از نرم‌افزارهای رایانه‌ای نقاشی شده و به هم چسبانده می‌شوند. تصاویر و شخصیت‌ها عمق ندارند و تخت هستند؛ مثل «سوری لند».

انیمیشن‌های سه بعدی؛ دو دهه است که به وجود آمده‌اند و بسیار به واقعیت نزدیک‌اند. از «داستان اسباب بازی» گرفته تا «شرک» و البته بازی‌های ویدئویی متعلق به این دسته‌اند.

موشن گرافیک؛ بیشتر برای تیتراژ، لوگوسازی و کارهای آموزشی استفاده می‌شود و سازنده نیازی به دانش آناتومی بدن و حالات چهره ندارد. در استاپ موشن اصل بر عکاسی از تصاویر مختلف و نمایش دنباله‌دار آن است. در واقع به صورت تک فریم عکاسی شده و با جابجایی اندک موضوع، تصویر بعدی ثبت می‌شود. این روش خود چند نوع دارد؛ شامل: کلای موشن (خمیری)، پاپت/لگو/اکشن فیگور(استفاده از عروسک یا لگو به جای شخصیت خمیری)، کات اوت (شخصیت‌های طراحی شده مقوایی، مثل شکرستان) و پیکسلیشن (استفاده از انسان یا محیط واقعی مثل مجموعه «علی کوچولو»)

سینمای تجربی یا اکسپریمنتال

در آخر، نوعی از فیلم‌ها هم هستند که به دنبال هر نوع تجربه جدید و خلاقانه می‌روند. به این نوع آثار، هنری هم گفته می‌شود. اساساً در این فیلم‌ها قواعد و اصول استاندارد رعایت نمی‌شوند. این نوع فیلم‌ها برای سرگرمی یا فروش در گیشه و ... ساخته نمی‌شوند بلکه به دنبال در نوردیدن عرصه‌های تازه در هنر سینما هستند. مثل اثری از «عباس کیارستمی» که چند دقیقه دربار توفانی را تنها با حرکت امواج و پرندگان رهگذر در یک قاب ثابت و در زمان ده دقیقه نشان می‌دهد.



تک نفره فیلمسازی

● بهمن عبداللهی

در دنیای امروز شرایط زندگی ما متفاوت از گذشته شده است. حتی می‌توان گفت سال به سال با وضعیت تازه‌ای به لحاظ رشد امکانات تکنولوژیکی و ارتباطی مواجه هستیم. حالا دیگر عادت کرده‌ایم هر روز خبر جدیدی از عرضه آخرین دستاوردهای فنی بشنویم. همه به خوبی می‌دانیم که یک گوشی هوشمند - که حالا در دست یا جیب افراد جامعه از هر قشری پیدا می‌شود- مجموعه‌ای از امکانات مختلف همچون تلفن، دستگاه تایپ، ماشین حساب، دستگاه پخش موزیک، ضبط صوت، چراغ قوه، رادیو، کیف پول، دوربین عکاسی، دوربین فیلمبرداری و ده‌ها وسیله دیگر را در خود جای داده است. وسایل و ملزوماتی که تا همین ۲۰ سال پیش برای جابجایی آنها حداقل یک وانت بار نیاز داشتیم. در روزگاری که برای ثبت ۳۶ فریم عکس یا چند دقیقه فیلم نیاز به صرف زمان و هزینه‌های زیادی بود یا بدون ماه‌ها زمان و سرمایه کلان فیلمی ساخته نمی‌شد، چه کسی تصور می‌کرد یکی دو دهه بعد با یک گوشی تلفن همراه بتوان فیلم ساخت؟ حالا دیگر دوران کمپانی‌های بزرگ و استودیوهای غول پیکر به پایان رسیده است.

سینمای آنالوگ و سینمای دیجیتال

اگر اهل تماشای مستندهای خبری نیستید یا نمی‌خواهید فیلم‌های تاریخ سینما درباره دنیای پشت صحنه این هنر را تماشا کنید، می‌توانید جستجویی گذرا در فضای بی‌انتهای اینترنت داشته باشید. خواهید دید که سینماگران برای فیلمبرداری یک صحنه در برف چه زحمات عجیب و غریبی را متحمل می‌شدند.

آن‌ها ناچار به ریختن هزاران کیلو نمک آسیاب شده یا کف آتش نشانی روی زمین بودند تا یک صحنه زمستانی را ضبط کنند، چرا که در سرمای واقعی دوربین‌های فیلمبرداری از کار می‌افتادند یا برای ایجاد جلوه‌های ویژه تصویری در یک فیلم (مثلاً ده فرمان و سکانس نصف شدن شدن رودخانه) چند ماه به زحمت می‌افتادند. حالا این صحنه و صحنه‌های دشوارتر را می‌توان در منزل شخصی و با یک کامپیوتر ساده و یک نرم‌افزار انجام داد. به نظر می‌رسد در حوزه سینما نسل جدید بسیار خوش شانس هستند که می‌توانند با کمترین هزینه و در کوتاه‌ترین زمان ممکن فیلم بسازند.

تا همین ده بیست سال پیش همه آثار سینمایی در همه جای دنیا با نوار نگاتیو فیلمبرداری می‌شد، از دوربین‌های بزرگ و پروژکتورهای عظیم استفاده می‌کردند، تدوین با دستگاه‌های آنالوگ انجام می‌شد و تکثیر فیلم‌ها فقط با ظهور و چاپ امکان‌پذیر بود. اجاره دوربین گران بود و نگاتیو کمیاب. جدا از این فیلمبردار و کارگردان دو سه روز باید صبر می‌کردند تا نتیجه کارشان از لابراتوار برسد. بر همین اساس سینما صنعت هزینه‌بر و گرانی بود و تنها متخصصین می‌توانستند وارد دنیای سینما شوند، البته پس از گذراندن دوره‌های دانشگاهی یا سال‌ها خاک خوردن در پشت صحنه. احتمالاً نسبت فامیلی هم مهم بود.

کاهش افراد پشت صحنه

سینمای دیجیتال دهه‌ها قبل هم وجود داشت، البته تنها در شبکه‌های تلویزیونی و تحت عنوان «ویدئو» شناخته می‌شد. در واقع به جای نگاتیو از نوار مغناطیسی و به جای دوربین‌های غول پیکر از دوربین‌های کوچک و پرتابل (البته نه به اندازه دوربین‌های سبک امروزی) استفاده می‌کردند و مجرای ظهور و چاپ و میز موویلا و غیره هم به کلی وجود نداشت.

با ظهور فناوری دیجیتال - که به کمتر از ۲۰ سال پیش باز می‌گردد - بسیاری از مشاغل سینما کوچکتر و برخی از تخصص‌ها عملاً حذف شد، هر چند عناصر اصلی مثل کارگردان، فیلمبردار، صدابردار و ... همچنان پایه‌های اصلی بودند.

اما کوچک شدن دوربین‌های فیلمبرداری، ساده بودن کار با آنها، مشاهده تصاویر ضبط شده در زمان فیلمبرداری و از همه مهم‌تر ارزان بودن مواد اولیه (نوار فیلم و باتری و هارد) و در ادامه ساده شدن تدوین و تکثیر باعث شد دوربین نه تنها از انحصار کمپانی‌های درآید و شرکت‌های کوچک را وارد میدان فیلمسازی کند، بلکه دوربین‌های دستی (هندی کم) به خانه‌های مردم راه یافت.

از همین مقطع در تمام دنیا گروه‌های کوچک، با کمترین تعداد نفرات و بدون حمایت کمپانی‌ها دست به ساخت فیلم زدند. از اینجا به بعد نه نیازی بود به جلوه‌های ویژه میدانی، نه سیاهی لشکر انبوه و نه متخصصین متعدد پشت دوربین.

حالا و در دوران دیجیتال، سینما با امکانات گسترده‌ای روبروست تا جایی که کمپانی‌های بزرگ هم از تعداد نفرات پشت دوربین کاسته‌اند و کوشیده‌اند با امکانات رایانه‌ای جلوه‌های تصویری جدیدی به آثار خود اضافه کنند. حتی برخی آثار بدون حضور بازیگر و فقط بر اساس چند تصویر کوتاه از آن‌ها ساخته شده‌اند.

سینمای کم هزینه در ایران و جهان

در سینمای ایران هم مثل همه کشورهای صاحب سینما پس از ورود فناوری جدید و امکانات دیجیتالی با قابلیت بالا، ارزان و کم حجم، تعداد زیادی از فیلمسازان در این فضا کار کردند و البته نتیجه بهتری گرفتند. «بوتیک» ساخته «سعید نعمت‌الله» در سال ۱۳۸۲ از نخستین آثاری است که با دوربین دیجیتال فیلمبرداری شد و با همین شیوه تدوین و مراحل فنی را پشت سر گذاشت.

پشت دوربین این فیلم «محمود کلاری» فیلمبردار موفق و باسابقه قرار داشت که سال‌ها با دوربین‌های آنالوگ و نگاتیو و مخزن محدود آنها دست و پنجه نرم کرده بود. از دیگر فیلمسازان موفق در حوزه سینمای دیجیتال زنده‌یاد «عباس کیارستمی» را می‌توان نام برد که دو سال قبل‌تر با دوربین‌های کوچک و دستی فیلم‌های ماندگاری خلق کرد. از جمله «آ.ب.ث آفریقا» مستندی بلند درباره رنج مردم و کودکان آفریقا زیر سایه بیماری ایدز. او بعدتر با فیلم «ده» تلاش کرد عوامل پشت صحنه را به کمترین تعداد برساند. استاد تمام ۱۰ سکانس فیلم را داخل یک خودروی کوچک و با بازیگران غیرحرفه‌ای و با فیلمبرداری خودش تولید کرد. این فیلم در جشنواره‌های متعدد خارجی موفق بود و حتی در فهرست ۵۰۰ فیلم برتر تاریخ سینما قرار گرفت.

کیارستمی در فیلم‌های بعدی خود حتی در خارج از کشور و با وجود حمایت مالی

تهیه‌کننده‌ها باز هم این روش را ادامه داد. این نوع فیلمسازی یک نفره در بسیاری از کشورهای دنیا وجود دارد، یعنی ممکن است یک فرد خود فیلمنامه‌نویس باشد، خودش کارگردانی کند و در عین حال فیلمبردار هم باشد. از آنجا که تدوین هم در خانه با نرم افزار و رایانه خانگی امکانپذیر است خودش آن را تدوین کند و از آنجا که هزینه زیادی نیاز نبوده حتی نام خود را به جای تهیه‌کننده معرفی کند. سینمای امروز به واقع با بیست سی سال پیش بسیار تفاوت کرده است.

برای شروع فقط به خودتان تکیه کنید

با شرایط حاضر، برای ورود به دنیای فیلمسازی نیازی به امکانات گران و سنگین، تهیه‌کننده‌های پولدار، داشتن پارتی و رابطه و حتی تحصیلات دانشگاهی نیست. فقط کافی است یک فرد با هر سن و شرایطی قریحه و ذوق کافی داشته باشد. یک موضوع خوب پیدا کند و با حداقل هزینه یک فیلم بسازد. این روزها گوشی‌های هوشمند به قدری با کیفیت و توانمند هستند که برخی از سینماگران بزرگ هم با آنها فیلم ساخته و روانه جشنواره‌های تراز اول کرده‌اند. بدون شک تحصیلات دانشگاهی، یادگیری اصول علمی و آکادمیک سینما، استفاده از ابزار مناسب و افراد متخصص (مثلاً صدابردار و فیلمبردار توانا) را نمی‌توان در فرایند تولید یک اثر خوب و باکیفیت رد کرد. اما برای فردی که عاشق سینماست همین امکانات محدود و دم دستی هم می‌تواند مسیر تازه‌ای باز کند و در افزایش تجربه او مفید واقع شود. بدون شک در حوزه آثار مستند و انیمیشن فرصت‌های بیشتری برای علاقه‌مندان به هنر هفتم وجود دارد که ترجیح می‌دهند یا ناچارند به تنهایی بار ساخت فیلم‌شان را بر دوش بکشند. به طور مثال در جشنواره مستند «سینما حقیقت» فردی در یکی از شهرستان‌ها چند کرم ابریشم خریده و از مراحل رشد و پيله زدن و در نهایت پروانه شدن آنها در طول چند هفته آرام آرام فیلم گرفته بود و نهایتاً با تدوینی ساده و نظم دادن به تصاویر یک فیلم مستند جذاب از این موضوع ساخته بود. او نمونه‌ای از یک گروه فیلمسازی تک نفره است. یا در جشنواره پویانمایی تهران تعداد زیادی از آثار شرکت‌کننده محصول زحمات انیماتورهایی را می‌توان دید که به تنهایی همه کارها را انجام داده‌اند. در جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان هم از این فیلمسازان می‌توان سراغ گرفت. در جشنواره‌هایی نظیر جشنواره فیلم‌های موبایلی، فیلمهای ۱۰۰ ثانیه‌ای و غیره هم اسامی فیلمسازان تک نفره را به وفور می‌توان مشاهده کرد.

با این واژه‌ها آشنا شوید

مروری بر پرکاربردترین اصطلاحات سینمایی

● حسین جداری فروغی

اگر شانس این را داشته‌اید که سر صحنه فیلمبرداری یک پروژه سینمایی - حتی فیلم کوتاه - حضور پیدا کنید یا دست کم در حال تماشای تصاویر پشت صحنه فیلم یا سریالی باشید با واژه‌ها و عباراتی روبرو می‌شوید یا به گوشتان می‌خورد که ممکن است درک دقیقی از معنای این کلمات نداشته باشید. کلماتی که مثل الفبای فیلم‌سازی می‌مانند و ما در ادامه کوشیده‌ایم به خصوص نوجوانان خواننده این سطور را با آنها آشنا کنیم. این واژگان عموماً از نوشتار انگلیسی یا فرانسوی گرفته شده و در طول تمام دوران تاریخ سینما در هر کشور و هر زبانی از همان کلمات به زبان اصلی استفاده شده است. هر چند در سینمای ایران تلاش شده از کلمات ترجمه شده به جای عبارات اصلی استفاده شود. برخی از این اصطلاحات از این قرارند:

در حوزه کارگردانی

دایرکتور: کارگردان
کات: به معنای توقف کار
آکشن: حرکت
دکوپاژ: تقطیع نماهای مورد نظر
استوری بُرد: طراحی مصور صحنه‌ها
کلایک: تابلوی ثبت صحنه‌ها که قبل از هر پلان جلوی دوربین می‌گیرند
رَج زدن: علامت گذاری صحنه‌ها یا دسته‌بندی آنها

لوکیشن: محل فیلمبرداری
میزانسن: چیدن عناصر و بازیگران و برنامه حرکت دوربین
شات‌لیست: فهرست نماهای فیلمبرداری شده

در حوزه فیلم‌نامه نویسی

سوژه: موضوع اصلی داستان
تم: مضمون/ درونمایه داستان
سیناپس: خلاصه قصه
سناریو: فیلم‌نامه

سکانس‌بندی: تقسیم صحنه بر اساس زمان و مکان

دیالوگ: گفت‌وگوهای دو یا چند نفره
مونولوگ: گفتار تک نفره
فلاش بک: رجعت به گذشته
فلاش فوروارد: تجسم آینده
نریشن: گوینده/ صدای راوی اصلی

تراژدی: داستان غمگین
کمدی: داستان خنده‌دار
درام: داستان بر اساس احساسات
ژانر: تقسیم‌بندی موضوعی بر اساس گونه فیلم

ملودرام: داستان اشک‌انگیز/ معمولاً خانوادگی
فانتزی: تخیلی/ عجیب
پاپت فیلم: فیلم عروسکی با فیلمبرداری تک فریم

موزیکال: داستانی بر اساس موسیقی

تین‌ایجری: فیلم نوجوان پسند

در حوزه فیلمبرداری

کَمر: دوربین

کَمرَمَن: فیلمبردار

فریم: قاب/ یک بیست و چهارم ثانیه/ یک عکس

فوکوس: وضوح/ واضح کردن تصویر

فلو: تار/ محو کردن تصاویر

پلان/شات: تصویر ثبت شده از لحظه روشن تا خاموش شدن دوربین

سکانس: مجموع چند پلان به هم چسبیده

لنز: مجموعه عدسی روی دوربین

لنز تله: با زاویه بسته. دور را نزدیک می‌کند

لنز تُرمال: لنز متوسط (با عدد 50 نشان داده می‌شود)

لنز واید: زاویه باز. در فضای محدود همه چیز را جا می‌دهد

لنز مایکرو: برای اشیا خیلی ریز

پَن: حرکت افقی دوربین

تیلت: حرکت عمودی دوربین

تِرَک بک: حرکت دوربین به عقب

تِرَکینگ شات: نمای متحرک

تِرَاولینگ: حرکت دوربین رو ریل

کلوزآپ: نمای بسته از صورت

اکس‌تَریم کلوزآپ: نمای خیلی بسته از اجزای صورت

تُو شات: نمای دونفره

اُور شُلدر: نما از پشت بازیگر که بازیگر مقابل دیده شود

مدیوم شات: نما از کمر به بالای بازیگر

لانگ شات: نمای عمومی

اکس‌تَریم لانگ شات: نمای خیلی بزرگ

فَستِر شات: نمای ثابت و کامل از هر سکانس

آنکَل: زاویه دید

های آنکَل: زاویه دید از بالا

لُو آنکَل: زاویه دید از پایین

ایئِسِرَت: نمای نزدیک از اشیا

زوم: نزدیک شدن به سوژه با کمک لنز تله در تصویر

زوم بک: دور شدن از سوژه با کمک لنز تله در تصویر

پی اُ وی / Point of View: نمای دید شخصیت فیلم

ری اکشن شات: نمای واکنش بازیگران

کَرین: جرقه‌یل کوچک که دوربین روی آن سوار می‌شود

تاوِر کَرین: جرقه‌یل بزرگ که دوربین روی آن سوار می‌شود

دالی: چهارچرخه زیر دوربین

در حوزه تدوین

راش: تمام آنچه فیلمبرداری شده

اِسپَلی: سر هم کردن اولیه پلان‌ها پس از فیلمبرداری

مَچ کات: برش خام پلان‌های پیوسته

فاین کات: برش دقیق پلان‌های پیوسته

نسخه صفر: اولین نسخه آماده شده فیلم

اِسْلُوْمُوشَن: حرکت آهسته

فَست مُوشَن: حرکت تند

شات لای: پلانی که دو پلان را وصل می‌کند.

معمولاً اینسرت

آنونس: نمونه فیلم سه دقیقه‌ای از فیلم سینمایی

تیزر: نمونه خیلی کوتاه از فیلم

تیتراژ: فهرست عوامل سازنده

در حوزه بازیگری

اکتِر: بازیگر مرد

اکتِرِس: بازیگر زن

اکت: حرکت بازیگر، فعال بودن بازیگر

آرتیست: هنرمند، معمولاً به نقش اول اطلاق می‌شود

بازی حسی: بازی بر اساس احساسات واقعی

بازیگر

بازی زیرپوستی: بازی طبیعی طوری که بازی

تشخیص داده نشود

اِگْزِرْجِه: بازی اغراق آمیز

ماسک کردن: قرار گرفتن یک بازیگر جلوی یکی دیگر

دوربین دزدی: وقتی یک بازیگر مشغول بازی

است بازیگر کنار او حرکت اضافه انجام دهد و حواس بیننده را پرت کند.

نابازیگر: بازیگر غیرحرفه‌ای که نقش خودش را بازی کند

سیاهی لشکر: جمعیت برای طبیعی شدن صحنه‌های عمومی

در حوزه فنی

مونتاژ: تدوین/ به هم چسباندن پلان‌ها

دوبله: گویندگی روی صدای بازیگر

صداگذاری: اضافه کردن صداهای کمکی

میکس کردن: ترکیب صدا و تصویر

تروکاز: حقه سینمایی

ساب تایتل: زیرنویس

دیزالو: تداخل عمدی دو تصویر روی هم

کراپ: برش بخشی از تصویر

فیلتر: افزودن یا کم کردن نورهای دیگر به تصویر

فُیْد اُوت: سیاه شدن تدریجی تصویر

فُیْد این: از سیاهی درآمدن تدریجی تصویر

بخش‌ها

سه نشست، سه استاد

دوشنبه ۲۸ مهر- ساعت ۱۴ الی ۱۵:۳۰	سه شنبه ۲۹ مهر- ساعت ۱۴ الی ۱۵:۳۰	چهارشنبه ۳۰ مهر- ساعت ۱۴ الی ۱۵:۳۰
نشست انتقال تجربه با «مرضیه برومند»	نشست انتقال تجربه با «ایرج طهماسب»	نشست انتقال تجربه با «رسول صدرعاملی»
موضوع: رابطه انسان با طبیعت	موضوع: آیا فیلم واقعیت است؟ تفاوت فیلم با واقعیت در چیست؟	موضوع: چگونه می‌توان هنرمند بود؟

روایت نوجوانان از دنیای کرونا

● مرضیه برومند

در بخش المپیاد ما با یک فضای جدید روبرو هستیم. روایت نوجوانان از بیماری کرونا یکی از محورهای المپیاد است. به نظرم پاندمی کرونا تجربه ترسناکی است، اما دنیای جذابی برای روایت دارد. حالا در جشنواره، این بستر فراهم شده که ما با این جهان گسترده آشنا شویم و تجربیات شخصی افراد با این پاندمی را در چهارمین المپیاد فیلمسازی از نزدیک ببینیم و بدانیم چه اثراتی بر زندگی شخصی آن‌ها گذاشته، چه آسیب‌هایی به آن‌ها وارد کرده و بتوانیم جهان قبل و بعدشان را تماشا کنیم.



کمک به رشد و شکوفایی

● ایرج طهماسب

برگزاری چنین جشنواره‌هایی قطعا مفید و کارآمد است و به طور کلی آن را مثبت ارزیابی می‌کنم. به هر حال وقتی نوجوانان علاقه‌مند و مستعد از نزدیک با مسائل سینما و فیلمسازی ارتباط بگیرند و با آن آشنا شوند کمک شایانی در رشد و شکوفایی آن‌ها خواهد داشت. این افتخار را داشتم که سال گذشته برای اولین بار در المپیاد فیلمسازی شرکت کنم و سعی کردم هر چه در توان دارم و با توجه به زمان در نظر گرفته شده در اختیار کودکان و نوجوانان قرار دهم.



زندگی جذاب و متفاوت با درک هنر

● رسول صدرعاملی

امیدواری و رمز و راز توکل داشتن، به خود اندیشیدن و توانایی‌های بسیاری که در خود می‌توان داشت، اینکه چگونه یک نوجوان می‌تواند حتی برای خانواده و اطرافیانش نیز تاثیرگذار باشد.

و نهایتاً: چگونه با تکیه بر درک هنر می‌توان زندگی جذاب و متفاوتی داشت، حتی اگر هیچ فیلمی نسازیم و بازی نکنیم، ولی هنرمند باشیم.



گروه هم‌سینمایی



منتور:
وحید گلستان



مربی:
حافظ آهی

نرگس رحیمی



بیثا بهجو



دانیال میزانی



محمد صدرا جمالی



محمد امین استیری



ثمینا شعفی



ایلیا رضانی



متین رستمی



گروه مارول



منتور:

بیژن میرباقری

مربی:

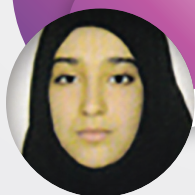
فریبرز آهنین



کسری روشنفکر



سحر خانی



مهدی گلی



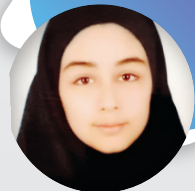
نیما قدیمی



مائده اسماعیلی



مهشاد سعادت ملکی



ژیوار فرج زاده



حنانه مرادیان



گروه عاشق



منتور:

سید جواد هاشمی



مربی:

نواب محمودی

کارن جمال امیدی



معصومه توتاخانه



مرضیه اسمعیلی



عارفه جعفری



محمدحسین
حسنی اژدری



محمدماهان صالح



ریحانه تاتاری



محمدطاها
منصورسمایی



گروه حافظ



منتور:

سیروس حسن پور

مربی:

عادل تبریزی



فاطمه داودی



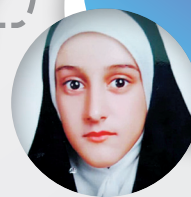
عارفه فلاح



امیرعباس خالصی فر



فاطمه قدیری



مهدی جنگجو



زهرا محمودی



بهاران آقایی



یوکابد رحمانی



گروه نقاب

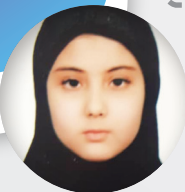


منتور:
غلامرضا رمضانی



مربی:
مهدی رضایی

مائده آبسردی



یاسین طیبی



کیارش نجف‌زاده



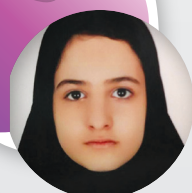
کسرا علیزاده



غزل فرهادی



آنا جلیلی



مریم رضایی



محدثه بزمی



گروه باحال‌ها



منتور:

مهین جواهریان

مربی:

شهلا پورآرین

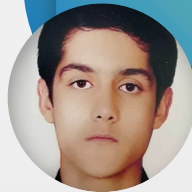
یاسین ایزی



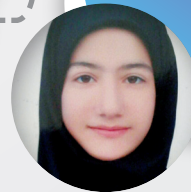
سیدعلی قاضی‌پور



مهدی فخری



نرگس فرزانه



آتیا آشوری



فاطمه اسماعیلی



آوا گواشیری



ابوالفضل اسحقزاده



گروه بچه‌زنگ



منتور:
حامد جعفری



مربی:
تی‌یام یابنده

متین احمدی



امین عزیزی



پوریا کاشی



مهدی موسوی‌زاده



سمیرا عبادی‌فر



سعید حسن‌پور



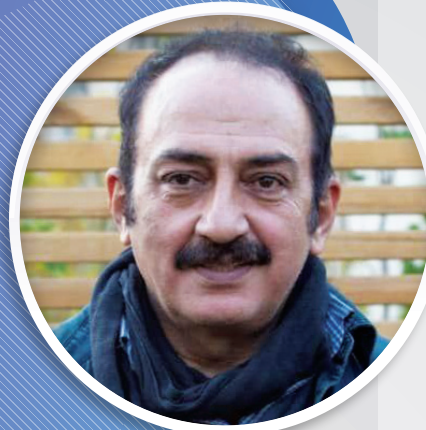
آیناز افرازی



رامتین بیگدلی



گروه پیام



منتور:

ابوالفضل جلیلی

مربی:

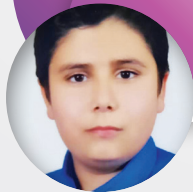
میرعباس خسروی نژاد



یلدا جعفری



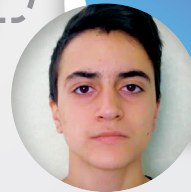
علیرضا فتحی



سالار منتظری



حسین شلاگه



رامین ترنج



پانیذ پورمهر



ملک معصومی



فاطمه محیطی



آخرین برگی که افتاد

خلاصه فیلم: آخرین برگ درخت درست روی بالاترین شاخه زندگی می‌کند اما او خوشحال نیست.

کارگردان: آیناز افرازی
تاریخ تولد: ۱۳۸۲
شهر: کرمان
تهیه‌کننده: آیناز افرازی



ادب خانه

خلاصه فیلم: داستان پسری پرشور و بازیگوش که استادش برای خلاصی و کسب تجربه او را راهی سفر می‌کند تا بلکه در این راه ادب بیاموزد ولی آن پسر در این مسیر کارهای اشتباهی انجام می‌دهد.

کارگردان: ابوالفضل اسحق زاده
تاریخ تولد: ۱۳۸۵
شهر: چالوس
تهیه‌کننده: کانون پرورش فکری
نوجوانان چالوس ۲



آمازون (مستند)

خلاصه فیلم: مستندی درباره بخش‌های مختلف شرکت بین‌المللی آمازون از جمله تاریخچه، پایه‌گذار و نحوه گسترش فعالیت‌های این شرکت.

کارگردان: پانیذ پورمهر
تاریخ تولد: ۱۳۸۳
شهر: قزوین
تهیه‌کننده: انجمن سینمای جوان استان قزوین



آنلاین

خلاصه فیلم: یک دختر بچه روستایی پس از دویدن از چند کوچه و پس کوچه از روستا خارج می‌شود و به طرف قله کوه می‌رود تا پس از دریافت آنتن تلفن همراه و اینترنت از کلاس درس آنلاین استفاده کند.

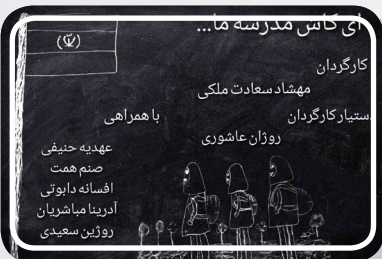
کارگردان: محدثه بزمی
تاریخ تولد: ۱۳۸۳
شهر: اصفهان
تهیه‌کننده: انجمن سینمای جوانان هرمزگان و بنیاد سینمای فارابی



ای کاش مدرسه ما... (مستند)

خلاصه فیلم: این مستند سیستم آموزشی ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد.

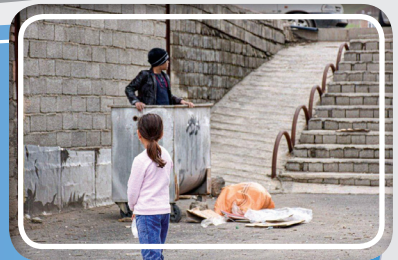
کارگردان: مهشاد سعادت‌ملکی
تاریخ تولد: ۱۳۸۴
شهر: پردیس تهران
تهیه‌کننده: مهشاد سعادت‌ملکی



بدون شرح

خلاصه فیلم: درباره کودکان کار در شرایط کرونا و بی‌توجهی بزرگسالان و ...

کارگردان: ژیاور فرج زاده
تاریخ تولد: ۱۳۸۵
شهر: صاحب
تهیه‌کننده: ژیاور فرج زاده





جادوی خواندنی

خلاصه فیلم: دختری کتاب می‌خواند و با مطالعه هر کتاب شخصیتی از آن کتاب زنده می‌شود. در آخر به جادوی خواندن کتاب‌ها و تخیل آنها پی می‌برد.

کارگردان: یوکابد رحمانی

تاریخ تولد: ۱۳۸۵

شهر: تاکستان

تهیه‌کننده: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تاکستان



جادوی لنز

خلاصه فیلم: داستان پسری که در اطرافش با بی‌حوصلگی‌ها و عصبانیت‌هایی مواجه می‌شود تا آنکه در یک عتیقه‌فروشی یک دوربین جادویی و قدیمی پیدا می‌کند.

کارگردان: مریم رضایی

تاریخ تولد: ۱۳۸۳

شهر: خمینی‌شهر

تهیه‌کننده: مریم رضایی

و هانیه کریمی



جشن خوشه‌های تاک

خلاصه فیلم: روایتی از شادی مردم شهر در معاشرت و دوستی کنار هم. در شهر تاکستان چنین جشنی پس از برداشت محصول با عنوان جشن انگور برگزار می‌شود.

کارگردان: بهاران آقایی

تاریخ تولد: ۱۳۸۵

شهر: تاکستان

تهیه‌کننده: کانون پرورش فکری

کودکان و نوجوانان تاکستان



چهارده سالگی

خلاصه فیلم: دختری که در آستانه چهارده سالگی است با مادرش اختلاف دارد.

کارگردان: فاطمه محیطی

تاریخ تولد: ۱۳۸۳

شهر: میبد

تهیه‌کننده: کانون پرورش فکری کودکان

و نوجوانان و فاطمه محیطی



چهره

خلاصه فیلم: آدم چوبی غمگینی به دنبال شناخت خود و چهره خود است اما در جعبه‌ای سیاه و تاریک حبس شده است.

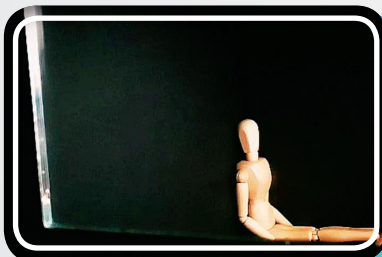
کارگردان: آتیلا آشوری

تاریخ تولد: ۱۳۸۶

شهر: مهرشهر کرج

تهیه‌کننده: آتیلا آشوری

و یوکابد ولی‌زاده



خورشید را دیده‌ای

خلاصه فیلم: یک پسر بچه به نام نوید با ساختمانی در حال سوختن روبرو می‌شود و برای مقابله با ترسش وارد ساختمان می‌شود.

کارگردان: حنا مرادیان

تاریخ تولد: ۱۳۸۲

شهر: اصفهان

تهیه‌کننده: شهرداری اصفهان

و دفتر جشنواره کودک و نوجوان





خیال

خلاصه فیلم: یک دختر بچه و یک پسر بچه کار که در خیالات خود آرزوهایشان را می بینند ولی واقعیت چیز دیگری است.

کارگردان: مریم رضایی

تاریخ تولد: ۱۳۸۳

شهر: خمینی شهر

تهیه کننده: هانیه کریمی



دوردست نزدیک



خلاصه فیلم: دختر و پسر خردسالی نگران عموی خود هستند چون به محیط زیستشان آسیب می رساند و باعث آلودگی می شود، اما طی اتفاقاتی این شخص از کرده خود پشیمان شده و برای پاکسازی محیط زیست تلاش می کند.

کارگردان: سید محمد حسین

حسنی اژدری

تاریخ تولد: ۱۳۸۳

شهر: تبریز

تهیه کننده: رضا دانش پژوه

و هانیه کریمی



دوری و دوستی



خلاصه فیلم: کاری نمادین درباره کرونا، رعایت فاصله گذاری اجتماعی و رعایت زدن ماسک.

کارگردان: فاطمه اسماعیلی

تاریخ تولد: ۱۳۸۶

شهر: گناباد

تهیه کننده: فاطمه اسماعیلی

و انجمن سینمای جوان



رکاب



خلاصه فیلم: تاثیری که وسایل نقلیه از جمله موتورسیکلت بر محیط زیست و جانوران می گذارد و چه بهتر است اکثر اوقات از دوچرخه و وسایل نقلیه عمومی استفاده کنیم

کارگردان: آوا گواشیری

تاریخ تولد: ۱۳۸۲

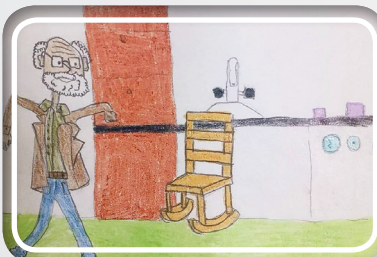
شهر: رفسنجان

تهیه کننده: کانون پرورش فکری

کودکان و نوجوانان رفسنجان



روزنه



خلاصه فیلم: پیرمردی بدون ماسک و با عجله از خانه بیرون می رود. کرونا می خواهد او را در دام خود ببندد، اما پیرمرد بر می گردد، ماسک می زند و کرونا را شکست می دهد.

کارگردان: متین رستمی

تاریخ تولد: ۱۳۸۷

شهر: خمینی شهر

تهیه کننده: طاهره میردامادی

و کانون پرورش فکری کودکان

و نوجوانان خمینی شهر



زمین



خلاصه فیلم: داستان سوالات و تصورات پسری از والدین خود که با تخیلاتش ترکیب می شود. او دغدغه اش محیط زیست است.

کارگردان: سعید حسن پور

تاریخ تولد: ۱۳۸۴

شهر: هچیرود

تهیه کننده: کانون پرورش فکری

استان مازندران





زندگی دیگری هم هست

خلاصه فیلم: دانش آموز رشته هنر در شرایط قرنطینه خانگی در حال عکاسی از آدم برفی اش است که عطسه اش می گیرد. او وقتی به عکس ها نگاه می کند متعجب شده و ...

کارگردان: ملک معصومی

تاریخ تولد: ۱۳۸۳

شهر: رشت

تهیه کننده: الهه گل محمدی



سرگذشت یک شلوار

کارگردان: محمدماهان صالح

تاریخ تولد: ۱۳۸۶

شهر: جعفریه استان قم

تهیه کننده: حبیب الله خوشدل

خلاصه فیلم: داستانی متفاوت از یک نوجوان که ماجراهایی جالب با شلوار خود دارد و ...



سه روک

خلاصه فیلم: سه روک کودکی ۱۰ ساله است که تابستان ها به پدرش در چوپانی کمک می کند.

کارگردان: ژيوار فرج زاده

تاریخ تولد: ۱۳۸۵

شهر: صاحب

تهیه کننده: ژيوار فرج زاده



شهر من

خلاصه فیلم: جنگل ها نابود می شوند، پرندگان مهاجرت می کنند و شهرسازی شروع می شود. اما زندگی رو به تباهی می رود.

کارگردان: رامتین بیگدلی

تاریخ تولد: ۱۳۸۶

شهر: یاسوج

تهیه کننده: رضا دانش پژوه و موسسه نگار فیلم دنا



طلب باران

خلاصه فیلم: کشاورزی از خشکسالی زمینش رنج می برد، پس یکی از مترسک های مزرعه خود را عروسک باران می نامد و با عروسک دعای باران می خواند.

کارگردان: سمیرا عبادی فر

تاریخ تولد: ۱۳۸۲

شهر:

تهیه کننده: کانون پرورش فکری

کودکان و نوجوانان مرکز جفتای

استان خراسان رضوی



فاصله یک در

خلاصه فیلم: پسر بچه ای برای دیدن پدرش تلاش های متعددی می کند...

کارگردان: مائده اسماعیلی

تاریخ تولد: ۱۳۸۲

شهر: رفسنجان

تهیه کننده: انجمن سینمای جوان رفسنجان





فضای زندگی

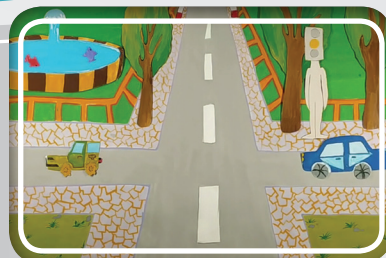
خلاصه فیلم: در سالن بولینگ دستی شبیه شاخه درخت (دست طبیعت) توپ بولینگ را که به شکل ویروس کروناست بر می‌دارد و به سمت مجموعه بولینگ‌ها که به شکل انسان هستند و هر کدام نماد یک ملیت هستند پرتاب می‌کند.

کارگردان: ایلینا رضانی

تاریخ تولد: ۱۳۸۳

شهر: بوشهر

تهیه‌کننده: هاله چهل‌زاده



قرمز، زرد، سبز

خلاصه فیلم: درباره یک چراغ راهنمایی که از یکجا ماندن خسته شده و تصمیم می‌گیرد شانسش را در جای دیگری امتحان کند، اما این سفر با چالش‌هایی روبروست.

کارگردان: زهرا محمودی بنه

تاریخ تولد: ۱۳۸۷

شهر: هجیرود

تهیه‌کننده: کانون پرورش فکری

استان مازندران



قرنطینه

خلاصه فیلم: پسر بچه‌ای برای عیادت مادرش که مبتلا به ویروس کرونا شده است آماده می‌شود.

کارگردان: عارفه جعفری

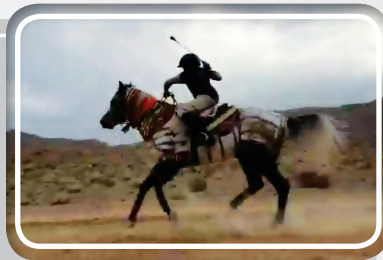
تاریخ تولد: ۱۳۸۶

شهر: میبد

تهیه‌کننده: عارفه جعفری

و کانون پرورش فکری کودکان

و نوجوانان



قشو

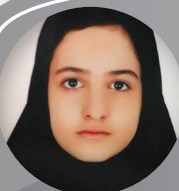
خلاصه فیلم: مستندی در رابطه با دختری نوجوان که علاقه‌مند به اسب و سوارکاری است و نحوه نگهداری این حیوان اهلی در باشگاه.

کارگردان: آنا جلیلی

تاریخ تولد: ۱۳۸۴

شهر: آباده

تهیه‌کننده: آنا جلیلی



کاج

خلاصه فیلم: یک درخت کاج برای جلوگیری از زرد شدن برگ‌هایش با ابر پاییزی می‌جنگد.

کارگردان: معصومه توتاخانه

تاریخ تولد: ۱۳۸۳

شهر: مراغه

تهیه‌کننده: انجمن سینمای جوان

مراغه



کرونا دم در خانه در کمین است

خلاصه فیلم: شخصی که دیگر از ماندن در خانه به دلیل وجود کرونا خسته شده، تصمیم می‌گیرد بیرون برود ولی...

کارگردان: ریحانه تاتاری

تاریخ تولد: ۱۳۸۳

شهر: گرگان

تهیه‌کننده: ریحانه تاتاری





کرونا

خلاصه فیلم: مقایسه فردی که موجب شیوع کرونا می‌شود با شخصی که موجب شیوع گناه می‌شود. پس با همدلی باید مانع شیوع هر دو شویم.

کارگردان: محمدمین استیری

تاریخ تولد: ۱۳۸۴

شهر: تهران

تهیه‌کننده: محمدمین استیری



لامپ



خلاصه فیلم: مردی در روستا لامپ‌ها و ریسه‌ها را جمع می‌کند، به بیابان می‌برد و آنها را کارگذاشته، سپس به وسیله موتور برق روشن می‌کند که ناگهان...

کارگردان: رامین ترنج

تاریخ تولد: ۱۳۸۳

شهر: یزد

تهیه‌کننده: رامین ترنج و انجمن

سینمای جوان استان یزد



مثل هیچکس



خلاصه فیلم: دختر نوجوانی در شب نامزدی‌اش به کمک خواهر بزرگترش فرار می‌کند.

کارگردان: عارفه جعفری

تاریخ تولد: ۱۳۸۶

شهر: میبد

تهیه‌کننده: عارفه جعفری و کانون

پرورش فکری کودکان و نوجوانان



ملاقه افسرده



خلاصه فیلم: در آشپزخانه یک خانم مهربان، ملاقه‌ای زندگی می‌کند. او خیلی احساس افسردگی کرده و چون فکر می‌کند هیچ دوستی ندارد سعی دارد دوستی برای خودش پیدا کند.

کارگردان: امیرعباس خالصی‌فر

تاریخ تولد: ۱۳۸۴

شهر: جغتای

تهیه‌کننده: امیرعباس خالصی‌فر



من و تنهایی‌ام



خلاصه فیلم: پسر بچه‌ای در تنهایی خود به سراغ ساک ورزشی می‌رود، با تعداد زیادی توپ پلاستیکی مواجه می‌شود و شروع به بازی با آنها می‌کند.

کارگردان: کسرا علیزاده

تاریخ تولد: ۱۳۸۶

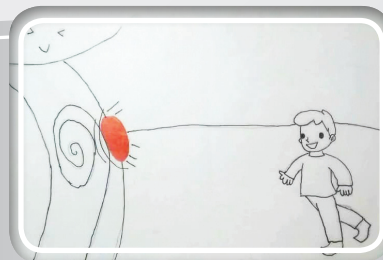
شهر: اردبیل

تهیه‌کننده: انجمن سینمای جوانان

استان اردبیل



هم بازی



خلاصه فیلم: پسری با درخت توپ بازی می‌کند و اتفاقاتی برایش می‌افتد.

کارگردان: ثمینا شعفی

تاریخ تولد: ۱۳۸۸

شهر: مشهد

تهیه‌کننده: کانون پرورش فکری کودکان

و نوجوانان خراسان رضوی



فیلم‌های مهمان



تولات مبارک

خلاصه فیلم: پسری در کافه مشغول صحبت و عشق ورزیدن با فردی است که به بهانه تولدش او را به کافه دعوت کرده و به او هدیه می‌دهد. در ادامه معلوم می‌شود طرف مقابل مادرش است.

کارگردان: غزل فرهادی
تاریخ تولد: ۱۳۸۲
شهر: شهرکرد
تهیه‌کننده: انجمن سینمای جوان شهرکرد



در همین حوالی

خلاصه فیلم: تأثیرات ویروس کرونا بر وضعیت معشیت عموم مردم و کسب و کار آنها.

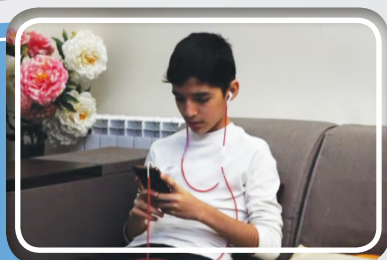
کارگردان: مهدی جنگجو
تاریخ تولد: ۱۳۸۲
شهر: دشتستان بوشهر
تهیه‌کننده: انجمن سینمای جوان بوشهر



دست‌های بی‌نا

خلاصه فیلم: دخترچه‌ای در فروشگاه به خاطر رعایت نکردن اصول بهداشتی کرونا از سوی مادرش تنبیه می‌شود، اما در همانجا صحنه‌ای می‌بیند که باعث سوءتفاهم می‌شود.

کارگردان: فاطمه داودی
تاریخ تولد: ۱۳۸۳
شهر: نجف‌آباد
تهیه‌کننده: علی داودی



قاب

خلاصه فیلم: پسری آنقدر خودش را وقف گوشی می‌کند و به مسئولیت‌هایش رسیدگی نمی‌کند تا آنکه باعث وقوع اتفاقی می‌شود و خانواده‌اش را به نحوی از دست می‌دهد.

کارگردان: محمدطاها منصورسمایی
تاریخ تولد: ۱۳۸۵
شهر: شهریار
تهیه‌کننده: علی منصورسمایی



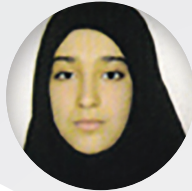
آسانسور

ایده از: عارفه جعفری
شهر: میبد
خلاصه داستان: در یک آسانسور
روال زندگی
را از نوزادی تا مرگ می بینیم.



ایستگاه

ایده از: سحر خانی
شهر: خمینی شهر
خلاصه داستان: در ایستگاه اتوبوس صدای سرفه می آید
مردم می ترسند، هیاهو به پا می شود، در صورتی که این
سرفه ها فقط صدای زنگ تلفن یک نفر بوده است.



تولد رستا

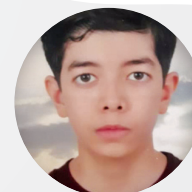
ایده از: کسرا علیزاده
شهر: اردبیل

خلاصه داستان: رستا دختر بچه ۷
ساله ای است که پدر و مادرش پرستار
هستند و به خاطر کرونا مجبورند در
بیمارستان بمانند. رستا با مادر بزرگ
اش زندگی می کند تا اینکه در روز اول
عید و تولد رستا بستهای به دستش
می رسد.



خودخواه

ایده از: کسری روشنفکر
شهر: سبزوار
خلاصه: یک فرد خودخواه برای اینکه
از خوراکی خودش چیزی به بقیه
ندهد، به زور همه آن را می خورد تا
بترکد.



خانه رویایی

ایده از: امین عزیزی
شهر: اردبیل

در یک شب دو دختر بچه در
دو جعبه کارتنی زیر چراغ زرد رنگ
نشسته اند و با عروسک های دست
ساز و اسباب بازی های مقوایی شان
خاله بازی
می کنند.



چهل و پنج

ایده از: نیما قدیمی
شهر: پرنده

خلاصه داستان: مردی در یک بیابان مشغول کردن
زمین برای کاشت محصول است، او خط قرمزی
مشخص کرده و زمین را به دو زندگی غیر مشابه با
گل و گیاهانی که هدف مشابهی دارند تقسیم
کرده است.



خدا حافظ کرونا

ایده از: مهدی گلی
شهر: تبریز
خلاصه داستان: نتیجه نبرد دانش آموزان با
کروناها در حیات مدرسه،
به نفع دانش آموزان تمام می شود.



خشم قلمبه

ایده از: پوریا کاشی
شهر: درچه
خلاصه داستان: زندگی پسری که از رفتارهای خواهر کوچکش می‌رنجد و به خاطر قضاوت عجولانه خواهرش را تنبیه می‌کند و در انتها بسیار پشیمان می‌شود.



خودنابودی

ایده از: یاسین ایزی
شهر: سبزوار
خلاصه داستان: زندگی فردی روی یک سیگار قرار دارد؛ خانه، کارخانه، ماشین، خانواده و... با دود شدن سیگار و کوچک شدن سیگار یکی یکی داشته‌هایش همراه با خاکستر سقوط می‌کنند.



دو احمق

ایده از: سیدعلی قاضی‌پور
شهر: جغتای
خلاصه داستان: دو مرد با هم توافق می‌کنند که درخت‌ها را قطع و آنها را به خانه‌های بزرگ و در ادامه به شهری بزرگ تبدیل کنند. اما سرانجام هم شهر نابود می‌شود و هم خودشان.

دختر بابایی

ایده از: معصومه توتاخانه
شهر: مراغه
خلاصه داستان: پدری که به دنبال معروف شدن و رسیدن دخترش به شهرت، در فضای مجازی بسیار فعال است.



ساندویچ

ایده از: محمدمصدرا جمالی پیلرود
شهر: کرج
خلاصه داستان: آرمان با دوستانش از مدرسه باز می‌گردد، فشار گرسنگی او را به سمت ساندویچی می‌برد و اتفاقاتی او را از مسیر غذای جسم به سمت غذای روح سوق می‌دهد.



دوازده تا

ایده از: امیرعباس خالصی‌فر
شهر: جغتای
خلاصه داستان: کودکی با قوطی کبریت‌های خالی که سوزن‌بان برای روشن کردن سیگار استفاده می‌کرده و پاکت‌های آرمیوه که لوکومتیوران به او داده یک کاردستی قطار می‌سازد و به سوزن‌بان هدیه می‌دهد. او در آینده لوکومتیوران می‌شود.

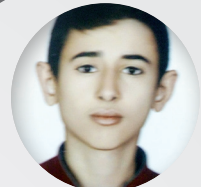
سیمرغ

ایده از: علیرضا فتحی
شهر: همدان
خلاصه داستان: پسری در خواب سوار سیمرغ می‌شود و با عبور از جنگل‌های سبز گیلان، سفیدی کوه دماوند و سرخی خاک‌های هرمزگان پرچم ایران را نقاشی می‌کند.



صدا

ایده از: سیدمهدی موسوی زاده
شهر: خمینی شهر
خلاصه داستان: پاندمی کرونا در مدارس و باز و بسته بودن مدارس در این روزها.



صورتک

ایده از: فاطمه قدیری
شهر: خمینی شهر
خلاصه داستان: پسری که ناشنواست مجبور است ماسک بزند. او برای فهم گفتگوهای دیگران مشکل دارد. بنابراین در ماسک خود و والدینش تغییراتی می‌دهد و والدینش را غافلگیر می‌کند.



عروسی خوشمزه

ایده از: مهدی فخری
شهر: مشهد
خلاصه داستان: در جشن ازدواج خانم تخم مرغ با آقای سیب زمینی مهمانان (هویج و سیب زمینی) و خواننده (خیارشور) مشغول رقص و پایکوبی هستند تا اینکه بعد از یک نزاع سالاد الویه درست می‌شود.



غیر قابل باور

ایده از: کیارش نجف‌زاده
شهر: مشهد
خلاصه داستان: تیمی در مسابقه فینال شکست می‌خورد. اما یکی از بازیکن‌ها در مسابقه، فداکاری بزرگی انجام داده است که هیچکس باور نمی‌کند.



فرافره

ایده از: بیتا بهجو
شهر: دزفول
خلاصه: پسر و دختری که یکدیگر را نمی‌شناسند در بازار قدیم شهر دزفول دستفروشی می‌کنند. آنها با کمک یکدیگر و متحد شدن کسب و کارشان را رونق می‌دهند.



فری فایر و من و مامان

ایده از: دانیال میزانی
شهر: کرمان
خلاصه داستان: دانیال نوجوان ۱۳ ساله‌ای است که با مادرش بر سر انجام بازی آنلاین "فری فایر" مرتباً جر و بحث دارد. در این جدال خانوادگی هر روزه، در نهایت یک نفر پیروز خواهد شد، دانیال یا مامان!



کلاس تاریخ

ایده از: کارن جمال امیدی
شهر: لاهیجان
خلاصه داستان: چالش یک معلم تاریخ با شاگردانش، برای اینکه او هنوز نتوانسته با تدریس مجازی در ایام کرونا کنار بیاید.



کارواش مدادی

ایده از: نرگس فرزانه
شهر: سبزوار
خلاصه داستان: مدادی که از تراشیده شدن در کارواش مدادها می‌ترسد شهر مدادها را ترک کرده و در جنگل به دام کاتری بدجنس می‌افتد. او با کمک بقیه مدادها و جارو حساب کاتر را می‌رسند و فرار می‌کنند.



من بابک هستم

ایده از: حسین شلاکه
شهر: تهران
خلاصه داستان: بابک برای تایید شدن توسط مادرش شخصیت اصلی‌اش در مدرسه را با خلق شخصیتی خیالی پنهان می‌کند.



مسابقه نقاشی

ایده از: سالار منتظری
شهر: یزد
خلاصه داستان: دو دوست قدیمی که در مسابقه نقاشی شرکت کرده‌اند، حالا برای رفتن به مرحله بعد باید بایکدیگر رقابت کنند، اما دوستی بین آنها دچار مشکل می‌شود.



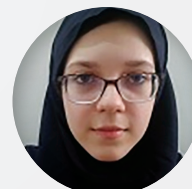
مشکلات و امکانات اینترنت

ایده از: مرضیه اسمعیلی
شهر: تهران
خلاصه داستان: مهدی پسری افسرده است که پدرش با در اختیار گذاشتن تلفن و اینترنت زیاد توقع‌هایی از او دارد. اما مهدی قدر نمی‌داند تا اینکه با پدر و پسری فقیر آشنا می‌شود که از هر نوع امکاناتی محروم هستند. در ادامه زندگی آنها مهدی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و سعی می‌کند که همانند آنها شود.



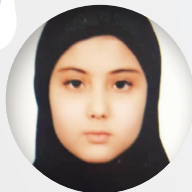
همسایه

ایده از: عارفه فلاح
شهر: میبد
خلاصه داستان: پیرزن معلولی که همیشه دم در خانه‌اش می‌نشسته و با همسایه‌ها مراوده داشته، با شیوع کرونا و درخواست همسایه‌ها دیگر نمی‌تواند به روش معمول زندگی خود ادامه دهد.



صدای رهایی

ایده از: مائده سادات آبسردی
شهر: ایوانکی سمنان
خلاصه داستان: یک هیزم‌شکن برای قطع درخت با تبر خود وارد جنگل می‌شود، ولی همزمان با شروع به کار متوجه اتفاقات غیر منتظره‌ای شده و از قطع درختان منصرف می‌شود.



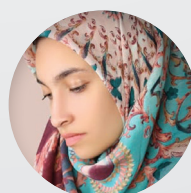
نگهبان

ایده از: نرگس رحیمی
شهر: اردبیل
خلاصه داستان: کودکی ۴ تا ۵ ساله با ناراحتی از پنجره مردم رهگذر و کودکانی که همراه پدر مادر هستند را تماشا می‌کند. در نهایت تصویر مادر کودک را در لباس پرستاری می‌بینیم که از پشت مانیتور با او صحبت می‌کند.



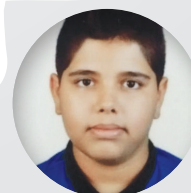
مادر

ایده از: بلدا جعفری
شهر: دهبازر هرمزگان
خلاصه داستان: دختر بچه‌ای که مادرش را از دست داده و در عالم خواب مادرش را می‌بیند که از او محافظت می‌کند.



مادرانه‌های من

ایده از: یاسین طیبی
شهر: آبادان
خلاصه داستان: زهرا دختری ۸ ساله است که در خانه نشسته و نوزادی در بغل دارد و به او با شیشه شیر می‌دهد. زهرا با مادر بزرگش زندگی می‌کند چون مادرش را از دست داده است.





طلا، نقره، برنز



سیدجواد در حال دریافت مدال گروه «عاشق»



افتتاحیه چهارمین المپیاد فیلمسازی نوجوانان



رسول صدرعاملی در نشست انتقال تجربه روز آخر



دریافت مدال گروه «باحال‌ها» توسط مهین جواهریان و شهلا پورآرین



سیروس حسن‌پور و عادل تبریزی از گروه «حافظ»



دبیر جشنواره و تقدیر از مدیرعامل مرکز نوآوری صبا



حافظ آهی؛ مربی و نماینده گروه «هم‌سینمایی»



ابوالفضل جلیلی و میرعباس خسروی‌نژاد از گروه «پیام»



ایرج طهماسب در نشست انتقال تجربه روز دوم



گروه‌ها سخت مشغول کارند



مرضیه برومند در نشست انتقال تجربه روز اول

غلامرضا رضانی از دفتر خودش کلاس‌ها را اداره می‌کرد



برگزیدگان چهارمین المپیاد فیلمسازی نوجوانان ایران



در شامگاه پنج‌شنبه اول آبان ماه طی مراسمی اختتامیه «چهارمین المپیاد فیلمسازی نوجوانان ایران» برگزار شد و هیات داوران (رسول صدرعاملی، ایرج پهماسب و مرضیه برومند) از میان ۳۶ فیلم شرکت‌کننده ۵ فیلم را به عنوان برگزیدگان دوره چهارم انتخاب کردند. همچنین ایده‌های رسیده در هشت گروه مورد تحلیل و بررسی منتورها و مربیان قرار گرفته و هر یک از این گروه‌ها ایده مورد نظر خود را معرفی کردند که در نهایت یک ایده به مدال طلا، دو ایده به مدال نقره و باقی ایده‌ها به مدال برنز دست یافتند.

(منتور: سیروس حسن پورا/ مربی: عادل تبریزی)

● **مدال برنز** به ایده گروهی «سیمرغ» از گروه «پیام»

(منتور: ابوالفضل جلیلی/ مربی: میرعباس خسروی‌نژاد)

● **مدال برنز** به ایده گروهی «بازمانده» از گروه «بچه زرنگ»

(منتور: حامد جعفری/ مربی: تی‌یام یابنده)

● **مدال برنز** به ایده گروهی «رکاب» از گروه «باحال‌ها»

(منتور: مهین جواهریان/ مربی: شهلا پورآرین)

● **مدال نقره** به ایده گروهی «سرگین غلتان» از گروه «هم‌سینمایی»

و تازه به محیط زیست و توجه به موضوع کمتر دیده شده از آلودگی زیست محیطی

(منتور: وحید گلستان/ مربی: حافظ آهی)

● **مدال برنز** به ایده گروهی «آپدیت» از گروه «مارول»

(منتور: بیژن میرباقری/ مربی: فریبرز آهنین)

● **مدال برنز** به ایده گروهی «همسایه» از گروه «حافظ»

کارگردانی «ریحانه تاتاری» از گران

● **مدال طلا** به ایده گروهی «هاف تایم» از گروه «نقاب»

طراوت ایده، جسارت در بیان و شخصیت‌های اکتیو

(منتور: غلامرضا رضانی/ مربی: مهدی رضایی)

● **مدال نقره** به ایده گروهی «شکلات» از گروه «عاشق»

برای ایده درخشان و طرح درست

موضوع؛ توجه به تنهایی و اندوه

نسل نوجوان و توجه به همدلی

(منتور: سیدجواد هاشمی/ مربی: نواب محمودی)

● **مدال طلا** برای فیلم پویانمایی «کاج» به کارگردانی «معصومه

توتاخانه» از مراغه

● **مدال نقره** برای فیلم «جادوی خواندنی» به کارگردانی «یوکابد

رحمانی» از تاکستان قزوین

● **مدال نقره** برای پویانمایی «فضای زندگی» به کارگردانی «ایلیا

رضانی» از بوشهر

● **مدال برنز** برای مستند «ای کاش

مدرسه ما» به کارگردانی «مهشاد

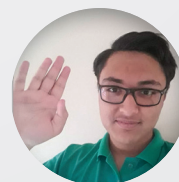
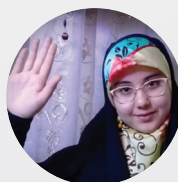
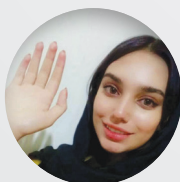
سعادت ملکی» از پردیس تهران

● **مدال برنز** برای فیلم «کرونا

دم در خانه در کمین است» به

طلایی‌های المپیاد چهارم

بهترین فیلم: «کاج» فیلمی انیمیشن است که توسط «معصومه توتاخانه» فیلمساز ۱۶ ساله اهل مراغه ساخته شده و داستان یک درخت کاج را روایت می‌کند که برای جلوگیری از زرد شدن برگ‌هایش با ابر پاییزی می‌جنگد. تهیه‌کننده این فیلم کوتاه انجمن سینمای جوان مراغه است. بد نیست بدانید که سال گذشته نیز از معصومه توتاخانه فیلم انیمیشن «پروانگی» در المپیاد فیلمسازی پذیرفته شده بود.



بهترین ایده: همانطور که می‌دانید ایده‌های راه یافته به المپیاد در گروه‌های مختلف مورد ارزیابی منتورها و مربیان با نوجوانان قرار گرفته و یکی از ایده‌های برتر در طول کلاس‌های آموزشی پرورنده و به هیات داوران ارائه شده است. در این میان ایده «هاف تایم» از گروه «نقاب» به مدال طلای المپیاد دست یافت. منتور این گروه غلامرضا رضانی، مربی مهدی رضایی و اعضای گروه هم شامل کسرا علیزاده، کیارش نجف‌زاده، یاسین طیبی، مانده آسردی، محدثه بزمی، مریم رضایی، آنا جلیلی و غزل فرهادی هستند.